

# ارمغان نقد

تأليف: احد فرامرز قراملکی و همکاران  
تهیه و تنظیم: فرشته ابوالحسنی نیارکی

# ARMAQĀN-I NAQD

AḤAD FARĀMARZ  
QARĀMALIKĪ



# ارمغان نقد

تألیف

احد فرامرز قراملکی و همکاران

تهیه و تنظیم

فرشته ابوالحسنی نیارکی



خانه کتاب

مهر ۱۳۹۰

سرشناسه: فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۴۰  
 عنوان و نام پدیدآور: ارمغان نقد تألیف احد فرامرز قراملکی و همکاران؛ تهیه و تنظیم: فرشته ابوالحسنی نیارکی.  
 مشخصات نشر: تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.  
 مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص.  
 فروست: خانه کتاب: ۲۷۴ - جشنواره نقد کتاب ۲۷  
 یادداشت: نمایه  
 موضوع: نقد کتاب - ایران  
 شناسه افزوده: ابوالحسن نیارکی، فرشته، ۱۳۶۳ - گردآورنده  
 رده‌بندی کنگره: PN99 ۱۳۹۰ ۴ ف ۹ الف/  
 رده‌بندی دیویی: ۰۲۸/۱  
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۷۲۹۸۳  
 کد پیگیری: ۲۴۷۲۲۶۵



جشنواره نقد کتاب

۲۷



خانه کتاب

۲۷۴

### عنوان: ارمغان نقد

تألیف: احد فرامرز قراملکی و همکاران  
 تهیه و تنظیم: فرشته ابوالحسنی نیارکی  
 ناشر: خانه کتاب

نوبت چاپ: اول - مهر ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

شابک: ۵ - ۰۲۹ - ۲۲۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

تهران: خیابان انقلاب، بین صبا و فلسطین جنوبی، پلاک ۱۰۸۰، مؤسسه خانه کتاب، تلفن: ۸۸۳۴۲۹۸۵

## فهرست

۷	پیشگفتار ناشر .....
۹	مقدمه .....
۱۳	نقد، هدیه یا دشمنه؟ .....

### بخش اول: نقدهای دکتر قراملکی بر آثار دیگران

۲۵	<b>فصل اول: اخلاق</b> .....
۲۷	۱. وکیل دادگستری و اخلاق حرفه‌ای .....
۳۳	۲. نقد در ترازوی اخلاق .....
۴۹	۳. نقد روش شناختی طب روحانی تالیف محمدبن زکریای رازی .....
۵۹	۴. معرفی انتقادی فرهنگ قرآن، اخلاق حمیده .....
۶۹	<b>فصل دوم: منطق</b> .....
۷۱	۱. نقدی بر مبانی منطق .....
۸۷	۲. الاشارات و التنبیهات، سرآغاز منطق دوبخشی .....
۱۱۳	۳. بررسی مورد پژوهانه گزارش رش از منطق دوره اسلامی .....
۱۱۹	<b>فصل سوم: فلسفه و دین پژوهی</b> .....
۱۲۱	۱. معرفی و نقد اجمالی کتاب زبان دین .....
۱۳۱	۲. استاد دینانی و قواعد کلی فلسفی .....

### بخش دوم: نقدهای دیگران بر آثار دکتر قراملکی

۱۴۷	<b>فصل اول: اخلاق</b> .....
۱۴۹	۱. اخلاق حرفه‌ای / مهدی صادقی فرجاد .....
۱۵۵	۲. سازمان‌های اخلاقی در کسب و کار / امیر احمد شجاعی .....
۱۶۳	۳. موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها / مهدی صادقی فرجاد .....
۱۶۹	۴. درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای / امیر احمد شجاعی .....
۱۷۵	۵. اخلاق در سازمان‌های مردم نهاد / زینب سالاری .....
۱۷۹	۶. اخلاق سازمانی / حمیدرضا نمازی .....
۱۸۵	۷. اخلاق سازمانی / فرشته ابوالحسنی نیارکی .....

**فصل دوم: منطق** ..... ۱۹۹

۱. منطق/المخلص / احمد عابدی ..... ۲۰۱
۲. پارادوکس دروغگو در مکتب شیراز / ضیاء موحد ..... ۲۰۹
۳. دوازده رساله در پارادوکس دروغگو / حمیدرضا نمازی ..... ۲۱۳
۴. تحفة السلاطین، ارمغان تخت نشینان / محمد سعید قبا ..... ۲۱۹
۵. آرای منطقی یوسف تهرانی و کتاب نقد الاصول و تلخیص الفصول / محسن جاهد ..... ۲۲۳
۶. مقایسه الگوی رشر و قراملکی در تفسیر تطور تاریخی منطق در دوره اسلامی / فرشته ابوالحسنی نیارکی ..... ۲۳۱

**فصل سوم: روش شناسی** ..... ۲۴۵

۱. اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی / سکینه سلمان ماهینی ..... ۲۴۷
۲. روش شناسی فلسفه ملاصدرا / فرشته ابوالحسنی نیارکی و همکاران ..... ۲۵۳

**فصل چهارم: فلسفه و دین پژوهی** ..... ۲۶۵

۱. بررسی کتاب موضع علم و دین در خلقت انسان / سکینه سلمان ماهینی ..... ۲۶۷
۲. هندسه معرفتی کلام جدید / محمد غفوری نژاد ..... ۲۷۷
۳. استاد مطهری و کلام جدید / زینب برخوردار ..... ۲۸۷
۴. استاد مطهری و کلام جدید / محمد غفوری نژاد ..... ۲۹۷
۵. معرفی و نقد کتاب نبوت / فرشته ابوالحسنی نیارکی ..... ۳۱۱

**پیوست** ..... ۳۱۷

۱. علایق و سوابق علمی - پژوهشی دکتر احد فرامرز قراملکی ..... ۳۱۹

**معرفی کتاب** ..... ۳۲۹

۱. منطق / سکینه سلمان ماهینی ..... ۳۳۱
۲. معرفی روش شناسی مطالعات دینی / تیمور امیری ..... ۳۳۷

**نمایه اصطلاحات و مفاهیم** ..... ۳۴۱

۱. نمایه اصطلاحات و مفاهیم ..... ۳۴۱
۲. نمایه اشخاص ..... ۳۴۳

## پیشگفتار ناشر

### از نقد نه‌راسیم

ارزیابی، سنجش و نقد از لوازم جدایی‌ناپذیر پژوهش‌های مسئله‌محور است. هر پژوهشگری که به دنبال حل یک مسئله و پرکردن خلأ معرفتی است، می‌بایست رویکردی جدی به پیشینه مباحث مربوطه، مبانی و رهیافت‌ها داشته باشد و پس از ارزیابی دقیق و یافتن کاستی‌ها و قوت‌ها، در پی یافتن پاسخ مسئله باشد.

خوشبختانه پیشینیان ما در این مسیر یک گام هم جلوتر رفته و پس از نگاهی آسیب‌شناسانه به پیشینه معرفتی و ارائه رهیافتی نو، به سنجش و نقد نظریه خود می‌پرداختند.

امروزه یکی از علل رنجوری علوم انسانی در جامعه کنونی و، عدم برخورداری از شادابی و طراوت، جدای از عدم به کارگیری روش مسئله‌محور، فاصله و شکاف عمیق میان پژوهش و نقد است. متأسفانه نقد که از ارکان اساسی هر پژوهشی است، به دست فراموشی سپرده شده است. از این رو سال‌هاست که در حال درجا زدن ایم و شیفته و دل‌باخته اندیشه‌های غربی.

اگر در صدد چاره‌اندیشی برای احیا و بالندگی علوم انسانی می‌باشیم، می‌بایست به این مهم توجه جدی کنیم؛ و این عزم جدی تمامی اهالی فرهنگ و اصحاب قلم و ارباب معرفت را می‌طلبد، نه ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی. نویسندگان و محققان ما باید خود آغازگر این راه باشند. **از نقد نه‌راسند.** نخست از نقد خود آغاز کنند. هر پژوهشی پیش از انتشار در معرض دید تیزبین منتقدان دانا و دلسوز قرار گیرد و ورز بخورد؛ و آن‌گاه که قابلیت عرضه یافت، به زیور طبع آراسته شود.

دبیرخانه جشنواره نقد کتاب، با وقوف به نکات یاد شده، از سال‌ها پیش در صدد برآمد تا با انتشار نقدهای برگزیده جشنواره نقد کتاب و دیگر نقدهای خوب، گامی در جهت الگوسازی برای نقد معیار بردارد.

آنچه پیش روی شماست، شماری از نقدهای دکتر احد فرامرز قراملکی بر آثار دیگران، در کنار برخی از نقدهای دیگران بر آثار ایشان است که به کوشش سرکار خانم فرشته ابوالحسنی نیارکی تهیه و آماده شده است. امید آن که نمونه مناسبی برای پژوهشگران و منتقدان جوان باشد.

در پایان جا دارد از محضر جناب آقای دکتر قراملکی که سالهاست در حوزه اخلاق پژوهش، به پژوهشهای جدی اشتغال دارند؛ و همکاران سخنکوش مؤسسه خانه کتاب، بویژه خانمها مژگان حقانی و طاهره قاسمی و آقایان ناصر میرزایی، عسگر ابراهیمی و رحمان کیانی که هریک به نوبه خود در انتشار این اثر سهیم بوده‌اند و مدیرعامل محترم مؤسسه، جناب آقای علی شجاعی صائین که با چاپ آن موافقت کردند، تشکر و تقدیر نمایم.

علی اوجیبی

معاون فرهنگی مؤسسه خانه کتاب



## مقدمه

اثری که به زیور طبع آراسته می‌شود، سخن و اندیشه مؤلف با طرف‌های ارتباط کلامی است. بنابراین به ازای هر کتابی که نگاشته می‌شود، مؤلفی هست و خوانندگان. مؤلف اثرش را فرزند خویش می‌انگارد و می‌ستاید و گاه واقع‌بینانه و منصفانه از آن عیب‌جویی می‌کند و هر یک از محققان براساس اندیشه خویش، در مقابل آن اثر موضع می‌گیرند. اقبال محققان به یک اثر در اشکال گوناگون معرفی، تحسین، ترجمه، شرح، دفاع، نقد و حتی حسد و عنادورزی آگاهانه یا ناآگاهانه نمایانگر اهمیت تحقیق است. با این بیان آثاری که مورد چالش دیگر متفکران قرار می‌گیرند، آثاری مهم و تأثیرگذار یا حتی گاه مؤسس تلقی می‌شوند. به عنوان مثال می‌توان کثرت شرح‌هایی که بر کتاب اشارات بوعلی نوشته شده است را، بیانگر اهمیت این کتاب در تاریخ منطق دوره اسلامی قلمداد کرد.<sup>۱</sup>

دکتر احد فرامرز قراملکی (۱۳۴۰) استاد دانشگاه تهران، از متفکران پُرکار و برجسته‌ای است که آثارش بارها به شیوه‌های گوناگون معرفی، نقد و... مورد اقبال اساتید، دانشجویان و دیگر پژوهشگران قرار گرفته است. خلاقیت و نوآوری از خصوصیات دانشمندان برجسته است. دکتر قراملکی در طرح مباحث اخلاق حرفه‌ای که منشاء برکات در سازمان‌ها و مراکز پژوهشی است و ابداع روش‌شناسی خاص مطالعات دینی، با خلاقیت و نوآوری برکات زیادی را برای جامعه علمی به ارمغان آورد. ایشان در سه حوزه اخلاق، منطق و روش‌شناسی، فلسفه و دین‌پژوهی آثار ارزشمندی نگاشته‌اند. در این

---

۱. نک: همین کتاب، بخش اول؛ *الاشارات و التنبیها*، سرآغاز منطق دویخسی.

مجموعه، فهرست آثار و سوابق علمی و حرفه‌ای استاد به پیوست خواهد آمد. اما در این مقام به اهم آثار ایشان در این سه حوزه مختلف اشاره می‌گردد:

اخلاق حرفه‌ای (۱۳۸۲)، سازمان‌های اخلاقی در کسب و کار (۱۳۸۵)، موانع رشد اخلاقی سازمان‌های ایرانی (۱۳۸۶)، اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام (۱۳۸۶)، درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای (۱۳۸۷)، اخلاق در سازمان‌های مردم نهاد (۱۳۸۸)، اخلاق سازمانی (۱۳۸۸) و اخلاق کاربردی در ایران و اسلام (۱۳۸۹) از جمله آثار استاد در حوزه اخلاق است. اهم آثار ایشان در حوزه منطق و روش‌شناسی از جمله آثار زیر است: منطق ۱ (۱۳۷۳)، مقدمه بر التفتیح تألیف ملاصدرا (۱۳۷۸)، منطق ۲ (۱۳۷۹)، روش‌شناسی مطالعات دینی (۱۳۸۰)، اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی (۱۳۸۳)، تحقیق، تقدیم و تعلیق بر منطق الملتخص رازی (۱۳۸۱)، دوازده رساله در پارادوکس دروغگو (۱۳۸۶)، تحفة السلاطین (۱۳۸۶) و ...

موضع علم و دین در خلقت انسان (۱۳۷۳)، هندسه معرفتی کلام جدید (۱۳۷۸)، مبانی کلامی جهت‌گیری دعوت انبیاء (۱۳۷۹)، استاد مطهری و کلام جدید (۱۳۸۳)، شرح جامع تجرید الاعتقاد (نبوت) (۱۳۸۸) و ... از جمله آثار ایشان در حوزه دین‌پژوهی است.

این مجموعه که با پیشنهاد، ترغیب و همکاری استاد ارجمند جناب آقای دکتر قراملکی گردآوری شده است، مجموعه مقالات نقد استاد بر آثار و آرای پژوهشگران و نقد همکاران و محققان بر آثار وی است. این مجموعه که ارمغان نقد نامیده شده است، در دو بخش سامان یافته است. این تسمیه براساس هدیه‌انگاری و نه دشمنه‌انگاری نقد است. بخش اول، نقدهای استاد بر آثار و آراء پژوهشگران و بخش دوم، نقدهای همکاران بر آثار استاد است. غالب مقالات پیش از این در مجموعه‌های دیگر منتشر شده‌اند که مشخصات کتاب‌شناختی هر یک ذکر خواهد شد. دیگر مقالات هدیه‌دوستانی است که بزرگوارانه پیشنهاد نقد اثری از آثار استاد را پذیرفتند. این مجموعه علاوه بر دو بخش اصلی، پیوستی دارد که علایق و سوابق علمی - پژوهشی استاد و مقالات معرفی اثر وی را شامل است.

بخش اول کتاب براساس حوزه‌های پژوهش استاد به فصول جداگانه ۱. اخلاق ۲. منطق ۳. فلسفه و دین‌پژوهی، تقسیم شده و در هر فصل مقالات به ترتیب تاریخ انتشار در کنار هم نشست‌اند. در بخش دوم که به چهار فصل ۱. اخلاق، ۲. منطق، ۳. روش‌شناسی و ۴. فلسفه و دین‌پژوهی تقسیم می‌شود، ملاک ترتیب مقالات، تاریخ نشر آثار استاد است. بر این اساس می‌توان فهرستی اجمالی از فصول کتاب ارائه کرد. پس از مقدمه، درآمد دکتر قراملکی بر کتاب با عنوان هدیه یا دشمن خواهد آمد. از حلم، فروتنی، بزرگواری و یادداشت‌های دلگرم‌کننده و عالمانه استاد که ارمغانی برای من و

دیگر دوستانی است که در این مجموعه نقدی به وی هدیه کرده‌اند، سپاسگذارم. بخش اول با فصل «اخلاق» آغاز می‌گردد. در فصل اول چهار مقاله کنار هم گردآمده‌اند: ۱. وکیل دادگستری و اخلاق حرفه‌ای. این مقاله نقد مؤلف بر کتاب وکیل دادگستری تألیف بهمن کشاورز است. ۲. نقد در ترازوی اخلاق. این مقاله بررسی کتاب اخلاق نقد اثر دکتر سید حسن اسلامی است. ۳. نقد روش‌شناختی الطب الروحانی تألیف محمدبن زکریای رازی. ۴. معرفی انتقادی «فرهنگ قرآن، اخلاق حمیده»، تألیف عبدالنبی امامی.

فصل دوم تحت عنوان منطق دارای سه مقاله است: ۱. نقدی بر مبانی منطق، تألیف دکتر محمدعلی ازهای، ۲. الاشارات و التنبیها، سرآغاز منطق دوبخشی، ۳. بررسی مورد پژوهانه گزارش رشر از منطق دوره اسلامی.

فصل آخر از این بخش، فلسفه و دین پژوهی است. این فصل دو مقاله دارد: ۱. معرفی و نقد اجمالی کتاب زبان دین اثر دکتر امیر عباس علی زمانی، ۲. استاد دینانی و قواعد کلی فلسفی.

در بخش دوم، فصل اول «اخلاق»، در بردارنده هفت مقاله به ترتیب زیر است: ۱. اخلاق حرفه‌ای. این مقاله با قلم مهدی صادقی فرجاد نگاشته شده است. ۲. سازمان‌های اخلاقی در کسب و کار، این مقاله هدیه دکتر امیر احمد شجاعی به مجموعه ارمغان نقد است. ۳. موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها. این مقاله نیز به قلم مهدی صادقی فرجاد است. ۴. معرفی و نقد کتاب درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای از دکتر امیر احمد شجاعی. ۵. اخلاق در سازمان‌های مردم‌نهاد با معرفی و نقد زینب سالاری که نویسنده دوم این کتاب است. این مقاله در واقع نوعی خودانتقادی و خودمشت مالی است ۶ اخلاق سازمانی. این مقاله از دکتر حمیدرضا نمازی است. ۷. اخلاق سازمانی از گردآورنده ارمغان نقد؛ فرشته ابوالحسنی نیارکی.

فصل دوم با عنوان «منطق» شش مقاله را گرد هم آورده است: ۱. منطق الملخص از دکتر احمد عابدی، ۲. پارادوکس دروغگو، ترجمه‌ای از مقدمه انگلیسی دکتر ضیاء موحد، ۳. پارادوکس دروغگو با معرفی و نقد دکتر حمید رضا نمازی، ۴. تحفة السلاطین، ارمغان تخت‌نشینان به قلم محمد سعید قبا، ۵. آراء منطقی یوسف تهرانی و کتاب «نقدالاصول و تلخیص الفصول»، به قلم دکتر محسن جاهد. ۶ مقایسه الگوی رشر و قراملکی در تفسیر تطور منطق در دوره اسلامی از فرشته ابوالحسنی.

فصل روش‌شناسی شامل دو مقاله است: ۱. اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی به قلم سرکار خانم ماهینی، ۲. روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا به قلم فرشته ابوالحسنی و دیگر دانشجویان دوره دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران (۱۳۸۹).

آخرین فصل از کتاب با عنوان «فلسفه و دین‌پژوهی» دارای پنج مقاله است: ۱. بررسی کتاب موضع علم و دین در خلقت انسان از سرکار خانم ماهینی، ۲. هندسه معرفتی کلام جدید. این مقاله به قلم دکتر محمد غفوری‌نژاد است. ۳. استاد مطهری و کلام جدید، به قلم سرکار خانم دکتر زینب برخوردار، ۴. استاد مطهری و کلام جدید به قلم دکتر محمد غفوری‌نژاد، ۵. معرفی و نقد کتاب نبوت از فرشته ابوالحسنی.

بیوست کتاب علاوه بر سوابق علمی - پژوهشی استاد، دو مقاله معرفی کتاب را نیز شامل است. این مقالات صرف معرفی آثار استادند، بنابراین در قسمت نقد آورده نشده است: ۱. معرفی کتاب منطق ۱ به قلم سرکار خانم ماهینی و ۲. معرفی روش شناسی مطالعات دینی از تیمور امیری. در این مجموعه مقالات دکتر قراملکی با ویرایش مجدد ایشان آمده‌اند، این در حالیست که مقالات دیگر همکاران در بخش دوم کتاب برای حفظ قلم و اصالت متن بدون تغییر و ویرایش گردهم آمده‌اند.

نقدپذیری خصیصه استادی است که او را سرآغاز پژوهش اخلاق حرفه‌ای در ایران و از محققین برجسته منطق‌نگاری سنتی و دین‌پژوهی روشمند می‌دانم. نخستین بار که قلم به دست گرفتم، نقد کتاب استادی بود که سخاوتمندانه و با فروتنی از نقد کتابش استقبال و مرا تشویق کرد، مواجهه ایشان با نقد برایم بسیار آموزنده بود تا اینکه امروز به تعبیر استاد نقد را هدیه می‌دانم و نه دشمنی. تشویق استاد، جسارت نقد و مقاله‌نویسی را به من آموخت. این مجموعه به استادی تقدیم می‌گردد که او را معلم اخلاق می‌دانم و از زحمات ایشان که در تدوین این کتاب گام به گام، سطر به سطر، واژه به واژه از راهنمایی‌هایشان بهره برده‌ام از صمیم دل تشکر و قدردانی می‌کنم. از دیگر دوستان که صمیمانه مقاله خویش را به این مجموعه هدیه کرده‌اند و با بزرگواری چاپ مجدد را پذیرفتند سپاسگذارم. از مؤسسه خانه کتاب و جناب آقای اوجبی که مرا به چاپ مجموعه ترغیب کردند، سپاسگذارم و توفیق روز افزون ایشان را از خدای منان خواهان. همچنین از زحمات و دلسوزی سرکار خانم سیده مریم حسینی دوست و همکار عزیزم که در حروف چینی و صفحه‌آرایی کتاب ما را یاری دادند، قدردانی می‌کنم. امید که این کتاب، آغاز همنشینی و همگام شدن با کاروان علم و پژوهش گردد.

و پیشکش به او که در گلپوش‌ترین بهار می‌آید و طنین سبز قدم‌هایش باغ اندیشه را جانی سبز می‌بخشد. کرامت و لطف بهاران با اوست که او حقیقت بهار است.

فرشته ابوالحسنی نیارکی

دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران

## نقد: هدیه یا دشمنه؟

نقد، چه به معنای عیب‌جویی و چه به معنای تحلیل و بازساخت سره و ناسره، هدیه‌گرانیها و ارمغان‌پُرارجی است که از آن می‌توان آموخت، و با آن کژی و کاستی را زدود و تهدید را به فرصت و ناکامی را به پیروزی تبدیل کرد. توجه و باور مدیران به توان اخلاق حرفه‌ای در موفقیت سازمانی را با وقوف پژوهشگران بر نقش راهبردی نقد در توسعه دانش و موفقیت علمی می‌توان مقایسه کرد. پیشرفت علمی و افزایش کارآمدی مراکز پژوهشی و آموزشی در گرو ترویج نقد در فرهنگ سازمانی این مراکز است. در هر دو عرصه، اخلاق حرفه‌ای و نقد پژوهش محتاج تحول نگرشی هستیم. نگاه ما به این دو، مواجهه ما را با آنها رقم می‌زند. نقد نردبان است یا سرسره؟ تهدید است یا فرصت؟ هدیه است یا دشمنه؟ اغلب چنین انگاشته می‌شود که، هدیه ابزاری برای ابراز دوستی است اما نقد را حتی از دشمنان و بدخواهان نیز می‌توان هدیه گرفت. و این یکی از شیوه‌هایی است، که خردمندان و بزرگان به وسیله دشمنان خود نیز سود می‌برند (در باب مأخذ سخن این حکیم توضیح خواهیم داد).

علاقه به نقد و تفکر انتقادی، سهم فراوانی در گرایش من به رشته فلسفه و دانش منطق در دوره دانشجویی داشت. همان روزگار از شنیدن روایت نبوی «المؤمن مرآة المؤمن» به وجد می‌آمدم. آینه غماز

نیوَد چون بود؟<sup>۱</sup> در همان روزگار این سروده نظامی در مخزن لاسرار را زمزمه می‌کردم:

آینه گر عکس تو بنمود راست      خودشکن، آینه شکستن خطاست

نیاز ما به آینه، دیدن عیبی بر چهره یا کاستی و کژی بر سر یا جامه است. آینه عیوب ظاهری جسم و جامه را می‌نمایاند و برادر دینی نیز عیب‌های گفتار، کردار و دیدگاه ما را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

---

۱. مولوی جلال‌الدین، مثنوی معنوی، تصحیح بزرگ‌زاد خالقی، تهران، انتشارات زورا، ۱۳۸۰، دفتر اول، بیت ۱۷.

## تعریف نقد

نقد را دو گونه تعریف می‌کنند: عیب‌جویی. می‌گویند: نقد، گونه‌ای داوری ناهمدلانه و خرده‌گیرانه از کسی یا چیزی است.<sup>۱</sup> این تعریف از نقد به واژه *to criticize* معطوف است. تعریف دوم نقد براساس واژه *to critique*، تحلیل یک دیدگاه، رفتار، تصمیم یا آفرینش هنری است برای شناخت سره و ناسره، مواضع قوت یا ضعف، راستی و کاستی آن.<sup>۲</sup> فراتر از چالش لفظی، هر دو گونه فعالیت، نقد عیب‌جویانه و نقد تحلیل‌گرایانه، به شرط ادب، پُر فایده است. حتی نقد عیب‌جویانه اگر با مسئولیت‌پذیری ناقد نسبت به حقوق صاحب اثر همراه باشد، جامعه را از رخنه‌های یک دیدگاه و خلل یک تصمیم آگاه می‌سازد. دیدگاه منتشر شده و تصمیم یک مدیر مؤثر در جامعه، هویت شخصی ندارند بلکه امر اجتماعی‌اند و نقد آنها را نباید با ردیلت غیبت کسان همسان انگاشت. نقد به معنای نخست و نیز غیبت، هر دو، رفتار ارتباطی‌اند که در آن فردی به عیب‌جویی و عیب‌گویی کسی می‌پردازد. تفاوت این دو در پیدا و پنهان بودن آن است. غیبت‌کننده به دلیل ترس و عدم دلیری به دور از چشم فرد از او بدگویی می‌کند و فاش کردن عیب فرد را راهی در آسیب زدن به وی تلقی می‌کند و به همین دلیل غیبت غالباً خصمانه است. اما نقد، عیب‌جویی آشکار است که فرد درخصوص دشمنان، دوستان و خویش انجام می‌دهد. و براساس دلیری صورت می‌گیرد. ابوالحسن عامری<sup>۳</sup> (د. ۳۸۱) را در این مقام سخن نیکویی است: «سعادت انسی در گرو شجاعت و حکمت است».<sup>۴</sup> و این هر دو در نقد لازم است. عامری شجاعت را در سه مقام می‌داند: دلیری بر دشمنان هنگام کارزار و دلیری بر دوستان هنگام مخالفت و دلیری بر نفس شهوانی برای بازداشت آن از لذت‌های مضر یا فرار از رنج‌های نافع.<sup>۵</sup> نقد نیز محتاج دلیری است، به ویژه دلیری در مقام مخالفت با آراء و اندیشه‌های دوستان و دیدگاه‌های خویش. البته این هر دلیری، یعنی شجاعت در کارزار در برابر

۱. نک: فیض کاشانی ملامحسن، *المحجة البيضاء*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳،

ص ۳۳۴.

۲. اسلامی سید حسن، *اخلاق نقد*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳، ص ۳۳.

۳. فرامرزی قراملکی احد، «نقد در نرازی/اخلاق»، کتاب ماه دین، شماره ۱۴۱، ۱۳۸۸.

\* مشهور این است که نویسنده *السعادة والاسعاد* ابوالحسن عامری است. مطالعات نصرالله حکمت این انتساب را رد می‌کند.

نک: حکمت، نصرالله، «شرح حال و آثار ابوالحسن عامری»، کتاب ماه فلسفه، ش ۳۹، آذر ۱۳۸۹، صص ۱۲۴-۱۳۰.

۴. عامری، ابوالحسن، *السعادة والسعاد*، به کوشش مجتبی مینوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶، ص ۱۳.

۵. همان.

دشمنان و دلیری در مخالفت با دوستان و دلیری در برابر خویش محتاج اخلاق است. اخلاق دشمنی<sup>۱</sup>، اخلاق مخالفت<sup>۲</sup> و اخلاق نقد خود.

## اخلاق نقد

نقد یک رفتار ارتباطی و استوار به سه عنصر است که در آن ناقد، دیدگاه کسی را نقد می‌کند. هر دو سوی این رفتار ارتباطی، نقد کردن و نقدپذیری، آدابی دارد و شروطی. اخلاق نقد قواعدی را پیش‌روی ناقد قرار می‌دهد: مسبوقیت نقد بر فهم کامل، تمایز تبیین از مشاهده، استفاده از زبان مناسب، پرهیز از مغالطه‌های مقام استدلال، خودداری از حقیرانگاری کالای دیگران، تمایز نقد دیدگاه از ارزش داوری در صاحب دیدگاه، پای‌بندی به ملاک‌های عینی نقد، پرهیز از آنچه منطق‌دانان آنها را تبکیت بیرونی خوانده‌اند<sup>۳</sup> و خیرخواهی در نقد مهم‌ترین قواعد و توصیه‌های اخلاقی برای ناقدند.

## مواجهه هوشمندانه با نقد

نقدپذیری، نقدگریزی و نقدستیزی سه گونه مواجهه با نقد است. یکی از عوامل مؤثر در نحوه مواجهه با نقد، تلقی فرد از آن است. هدیه‌انگاری نقد سبب نقدپذیری است و تهدیدانگاری و تلقی‌های خصمانه از نقد سبب نقدگریزی و نقدستیزی است. انتشار هر اثری سبب به میان آمدن حق<sup>۴</sup> نقد برای مخاطبان می‌شود. و نقد ناقدان فرصتی برای رفع نواقص و گذار از خوب به عالی است. مراد از نقدپذیری، مواجهه انفعالی با نقد نیست. پذیرفتن نقد به معنای پذیرفتن همه منتقدان نیست و نقدپذیری منافاتی با استواری اندیشه ندارد اما جزم‌گرایی بدون منطق را از میان برمی‌دارد. نقدپذیری به معنای اقبال به نقد، اهمیت دادن به آن و هنر استفاده از نقد ناقدان است. در چنین

---

۱. علیخانی علی‌اکبر، «اخلاق دشمنی، در اندیشه سیاسی اسلام»، اخلاق کاربردی در ایران و اسلام، به اهتمام احد فرامرز قراملکی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۹.

۲. اسلامی، حسن، «اخلاق مخالفت»، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۴۷، سال ۱۳۸۹.

۳. فرامرز قراملکی احد، «تبکیت بیرونی، آفت گفتگوی اثربخش [در اخلاق پژوهش]»، مقالات و بررسیها، ش ۶۸، سال ۱۳۷۹.

مواجهه‌ای با نقد، مغرضانه بودن یا نبودن، دوستانه یا خصمانه بودن نقد یکسان است. مواجهه هوشمندانه (در برابر واکنش هیجانی خشم) پی‌آمدهای تندترین نقد را به میوه شیرین تبدیل می‌کند.

### ادب نقدپذیری

نقدپذیری، خود، یک مشی اخلاقی و مؤثرترین شیوه خودشناسی است. تکامل فرد، هم در عقل نظری و کسب معرفت و هم در عقل عملی و زندگی شخصی و شغلی، در گرو شناخت عیب‌ها و تشخیص رخنه‌ها در هر دو قلمرو نظری و عملی است. نقدپذیری فرایند تکامل را تصحیح و تسریع می‌کند. جالینوس گام نخست در تهذیب روان و سلامت آن را شناخت عیوب خویش می‌داند. وی مقاله‌ای در این موضوع نوشته است. محمدبن زکریای رازی (د. ۳۱۳ه.ق.) چکیده آن را در طب روحانی، به منزله فصل چهارم می‌آورد. جالینوس در این نوشتار بر آن است که بزرگان به وسیله نقدپذیری و توجه به عیب‌جویی‌های دشمنان، از دشمن خود سود می‌برند. بر این اساس هم‌داستان با سعدی می‌توان از دشمن شوخ چشم نیز درخواست عیب‌جویی کرد. به تعبیر سعدی:

کو دشمن شوخ چشم ناپاک      تا عیب مرا به من نماید

رازی نقدخواهی از دوست و دشمن را راه شناخت عیوب خویش می‌داند. وی مراجعه به افراد عاقل که همراه ما هستند و نیز مراجعه به دیگران در محیط ۳۶۰درجه و درخواست نقد به معنای عیب‌جویی را توصیه می‌کند. کسانی که با ما زندگی می‌کنند، اعضای خانواده، همکاران، مدیران بالادست، افراد زیردست، دور و بری‌ها و حتی دشمنان و بدخواهان، می‌توانند آینه‌ای برای دیدن عیب‌ها و کژی‌ها باشند. رازی برای افزایش کارایی و اثربخشی نقدپذیری چند توصیه را درخصوص نحوه واکنش به عیب‌جویی و عیب‌گویی ارایه می‌دهد:

- اگر کسی که از وی جوای عیب‌های خودت شده‌ای، عیب‌های تو را صریح و بی‌پرده می‌گوید، شادابی و خرسندی خود را به وی نشان بده. و هرگز واکنش تو غم یا شرم نباشد.

- و اگر به هر سببی عیب تو را پنهان می‌کند و آن را به تو نمی‌نمایاند، ناراحتی، غم و ناخرسندی خود را به او نشان بده و هرگز او را تشویق به عیب‌پوشی نکن.

- اگر در عیب‌جویی تو زیاده‌روی کند، همچنان واکنش تو شادی، سرور و خرسندی باشد.<sup>۱</sup> بر توصیه‌های رازی، توصیه دیگری را نیز می‌توان افزود:

۱. رازی محمدبن زکریا، الطب الروحانی، به اهتمام مهدی محقق، تهران، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، دانشگاه مک گیل، ۱۳۸۶، ص ۳۴.



- اگر راه چابلوسی می‌پیماید و به جای افشای عیب‌ها به تمجید و ستایش تو می‌پردازد، مستی خاک بر دیده‌هایش بیافکن!<sup>۱</sup>

- واکنش هوشمندانه در برابر دوستانی که بد مرا نیکو می‌نمایند، ابراز ناخرسندی و رنجش خاطر است. سخن نیکوی سعدی در گلستان بر این اساس است:

از صحبت دوستان برنجم      کاخلاق بدم حسن نماید  
عیبم هنر و کمال بیند      خارم گل و یاسمن نماید

فرزند زکریای رازی، در بحث شناخت عیوب نفس، تنها مراجعه به دیگران و درخواست عیب‌نمایی از آنان را توصیه می‌کند و به اهمیت و نقش خود انتقادی و خود محاسبه‌گری اشاره نمی‌کند. در روایت آمده است که حاسبوا انفسکم قبل عن یحاسبکم. دلسوزتر و آگاه‌تر از ما به ما کیست؟

اگرچه نقد خود آسان نیست اما با مشق و تمرین می‌توان آینه عیب‌نمای خود بود.

آدمی بر خویشتن خویش بصیرت دارد.<sup>۲</sup> از امام صادق (ع) نقل شده است که: سودمندترین امور برای انسان آن است که به عیب‌جویی از خویش بر دیگران پیشی گیرد.<sup>۳</sup> مولوی اصلاح‌پذیری فرد را در گرو عیب‌جویی از خویش می‌داند:

هر کسی کو عیب خود دیدی ز پیش      کی بُدی فارغ وی ز اصلاح خویش  
غافل‌اند این خلق از خود، ای پدر      لاجرم گویند عیب همدگر<sup>۴</sup>  
کامیابی در نقد خویش دشواریاب است و محتاج مردانگی و فرزاندگی است. دل چون آینه است و کار آینه غمازی است، به شرط آنکه از زنگار خود بزرگ‌بینی و خودفریبی پاک باشد.  
آینه‌ات دانی چرا غماز نیست      زانکه زرنگار از رخس ممتاز نیست<sup>۵</sup>

۱. همان، صص ۳۳-۳۵.

۲. قیامت/ ۱۴.

۳. کلینی محمدبن یعقوب، الکافی، به کوشش علی غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش، ج ۸، ص ۲۴۳.

۴. مولوی جلال‌الدین، مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۸۸۱ و ۸۸۲.

۵. همان، بیت ۳۴.

## خود مشت مالی

در عالم نقد اثر مکتوب، مانند نقد کتاب، مقاله و آفرینش‌های هنری، نقد اثر خویش نیز به ندرت رخ می‌دهد. البته دانشمندان غالباً از خود نقدی و نقد دیگران به تجدیدنظر و اصلاح و تکمیل آراء خویش می‌پردازند اما نوشتن نقد بر اثر خویش در نسبت با نقدنگاری بر آثار دیگران بسیار اندک است. نمونه‌ای باشکوه از نقد بر اثر خویش را در مقاله خود مشت مالی دکتر رضا انزایی نژاد<sup>۱</sup> می‌توان یافت. این مقاله نقد گردآور «گزیده تفسیر کشف‌الاسرار» بر کار خویش است. اگر چه گزارش توضیح نویسنده در چگونگی ورود اشتباهات در این گزیده سبب دراز دامنی بحث می‌شود، نمی‌توانم از نقش آن در ادب نقد خویش صرف‌نظر کنم:

«سه سال پیش توفیق یافت مجلدات ده‌گانه کشف‌الاسرار ابوالفضل میبیدی (تألیف در سال ۵۲۰هـ) را که تقریباً هزار سال پیش نگارش یافته، بخوانم و از آن میان، بخش‌هایی به عنوان متن درسی برای رشته ادبیات دانشگاه‌ها برگزینم. حال من در آن احوال، آمیزه‌ای از ذوق‌زدگی و شتاب‌زدگی بود. زیبایی متن مرا سراپا ذوق‌زده کرده بود. چگونه می‌توانستم ذوق زده نباشم و از نشئه زیبایی این کلام سرمست نگردم که: «عاشقی، به حقیقت، در این راه [یعنی راه عشق و عرفان] چون حسین منصور حلاج نخاست. وصل دوست، بازوار [همچون شاهین] به هوای تفرید، پران دید. خواست تا صید کند. دستش بر نرسید. به سرش [یعنی در دلش] گفتند: یا حسین! خواهی که دست بر رسد سر را زیر پای نه [سر به زیر پای بگذار و از هستی‌ات بگذر] حسین سر را زیر پای نهاد و به هفتم آسمان بر گذشت». ذوق‌زدگی از لطف معنی و موسیقی سخن بود. اما شتاب‌زدگی؟!»

پس از چاپ گزیده، من متوجه شدم که تصحیح کشف‌الاسرار، به هیچ روی تصحیحی انتقادی و قابل اعتماد نبوده. واقعیت این است که مرحوم علی اصغر حکمت که نامش به عنوان مصحح کتاب بر پشت جلد مجلدات ده‌گانه نشسته، به جهت مشغله‌های بسیار، سیاسی و غیرسیاسی، در تصحیح این کتاب دخالتی نداشته و مسئولیت تصحیح هر جلدی را به دوستی و ارادتمندی و دانشجویی محول کرده بود، بنابراین در بسیار جا، تسامحاتی روی داده و خطاهای ادبی و علمی بسیار رفته و اشتباهات چاپی بسیار نیز مزید بر علت گردیده است. غلطنامه‌های مفصل اواخر مجلدات ده‌گانه گواه این حقیقت است. هنگام تهیه گزیده، من تا این حد نسبت به چاپ این کتاب بی‌اعتماد

۱. انزایی نژاد رضا، «خودمشت مالی: نقد و نظری بر گزیده کشف‌الاسرار»، کیهان فرهنگی، ش ۴۸، سال ۱۳۶۶، صص ۳۹-۴۰.

نبودم و گرنه جا داشت که دست کم در بخش‌های برگزیده به یک نسخه خطی مراجعه شود. ناگزیر وقتی که بخش‌های برگزیده من پهلوی هم نشست و به زیور طبع امیر کبیر آراسته شد، اینک می‌بینم چندین خطای فاحش از من و چندین خطای مطبعی دست به دست هم داده‌اند و با خطاهای اصل متن درآمیخته و چیزی حاصل شده که نیاز به این تسوید پیدا شده.

این ظن که احتمالاً گزیده حاضر در بعضی از دانشکده‌ها تدریس می‌شود، برای اینکه کفاره آن ذوق‌زدگی و شتاب‌زدگی را پرداخته باشم، کتاب را از صفحه اولش ورق می‌زنم و خطاهای خود و چاپخانه و نیز جاهایی را که نیاز به توضیح دارد و می‌بایستی در تعلیقات کتاب می‌آوردم و نیاورده‌ام، می‌نویسم.

## سخن آخر

نوشتار حاضر شامل دو گونه نقد است: هدیه نگارنده برای دوستان و همکاران و ارمغان همکاران و یاران برای نگارنده این سطور. نقد نگارنده بر آثار خود در این میان غایب است، به هزار و یک سبب و عدم دلیری بر خویش یک سبب در این میان است. علاقه به نقد را از دوران جوانی بلکه نوجوانی داشته‌ام. برخی از استادان بر این علاقه افزودند. تجربه‌های تلخ و شیرین نقد بخشی از زندگی دانشجویی‌ام بود. تلخ‌ترین تجربه به یک ساده‌انگاری برمی‌گردد. در نخستین تجربه نویسندگی‌ام، دیدگاه استادی را در یک مسأله نقد کردم. او را به شجاعت در نقد آراء می‌شناختم، نکته‌های نغز وی در باب نقادی سخن و تشویق او بر نقدنویسی سبب دلیری ساده لوحانه‌ام شد. وقتی نوشتار چاپ شد، سراسیمه به روی میزش نهادم. واکنش هیجانی و عصبانیتش نه پیش‌بینی‌پذیر بود و نه قابل فهم. از خودشان جویای سبب عصبانیت شدم، فرمود: در این روزگار که هر کسی سنگی به من پرتاب می‌کند، شما هم؟

قبلاً از فردی که اثرش نقد شده بود، تعبیر «این سیلی جواب دارد» را به من گزارش کرده بودند. نقد را سنگ پرتاب کردن یا سیلی زدن نمی‌انگاشتم. نقد دشنه نیست بلکه هدیه و ارمغان است. البته نقدهایی که دوستان بر من نوشته‌اند در این دفتر همنشین نقدهای من بر دوستان دیگر شده‌اند. از اینکه نقد محققان بر نوشتارهای بنده شیوه‌ای بوده است تا من عیب‌ها و کاستی‌های خودم را بشناسم و هم راهی بود که گرامی‌ترین دوستان خودم را بیابم، خداوند مهربان را شاکرم. خود را دوستدار همه کسانی می‌دانم که به نقد آثار آنان پرداخته‌ام، و همه کسانی که نوشتارهای بنده را به نقد و چالش گرفته‌اند، دوستان صمیمی و راهنمایان دلسوز خود می‌دانم. آن روزگار، سخن سامرست موام را نیز نشنیده بودم: «مردم وقتی از شما می‌خواهند عیب‌هایشان را آشکارا به آنان

بگویید، انتظار مدیحه‌سرایی دارند.<sup>۱</sup> واکنش ستیزجویانه آن استاد را در تأملات بعدی و پس از آشنایی با نظریه سازوکارهای روانی «فروید» فهمیدم و شرح آن را در شکل داستان‌گونه‌ای نوشتم. این داستان ابتدا در ماهنامه توسعه مدیریت منتشر شد<sup>۲</sup> و سپس در پیوست چاپ دوم پرده پندار<sup>۳</sup> آمد. همکارانی که به نقد نوشتارهای بنده پرداخته‌اند، در واقع، همچون راهنمای دلسوز به مواضع رخنه‌آشازتم کرده‌اند. در پرتو این اشارت‌ها دانسته‌ام که اگرچه در ثبت اندیشه‌ها باید شتاب کرد اما در انتشار آنها در جامه مقاله یا کتاب درنگ و وسواس لازم است. ویراستاری اهمیت دارد و هرگونه لغزش و خطا در عبارت غیرقابل اغماض است. سرکار خانم فرشته ابوالحسنی که در سال‌های اخیر به نقد و معرفی آثار علمی در فلسفه، کلام و اخلاق اهتمام دارند، این دفتر را با کوشش فراوان و سلیقه نیکو سامان دادند. دوست دانشمند و سخت‌کوشم جناب آقای علی اوجبی نیز مرا به انتشار آن بوسیله خانه کتاب ترغیب کردند. همت همه دوستان و همراهان را ارج می‌نهم و شادکامی و کامیابی را برای آنان آرزومندم.

احد فرامرزی قراملکی  
استاد دانشگاه تهران

### کتابنامه

۱. اسلامی حسن، «اخلاق مخالفت»، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۴۷، ۱۳۸۹.
۲. همو، اخلاق نقد، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳.
۳. انزایی نژاد رضا، «خودمشت مالی: نقد و نظری بر /گزیده کشف‌الاسرار/»، کیهان فرهنگی، شماره ۴۸، ۱۳۶۶، صص ۳۹-۴۰.
۴. حکمت نصرالله، «شرح حال و آثار ابوالحسن عامری»، کتاب ماه فلسفه، ش ۳۹، آذر ۱۳۸۹.
۵. رازی محمدبن زکریا، الطب الروحانی، به اهتمام مهدی محقق، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، دانشگاه مک گیل، ۱۳۸۶.
۶. عامری ابوالحسن، السعادة و السعاده، به کوشش مجتبی مینوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.

۱. اخلاق نقد، ص ۱۱۲.

۲. از نقدپذیری تا نقدگریزی، توسعه مدیریت، ش ۳۹، شهریور ۱۳۸۰.

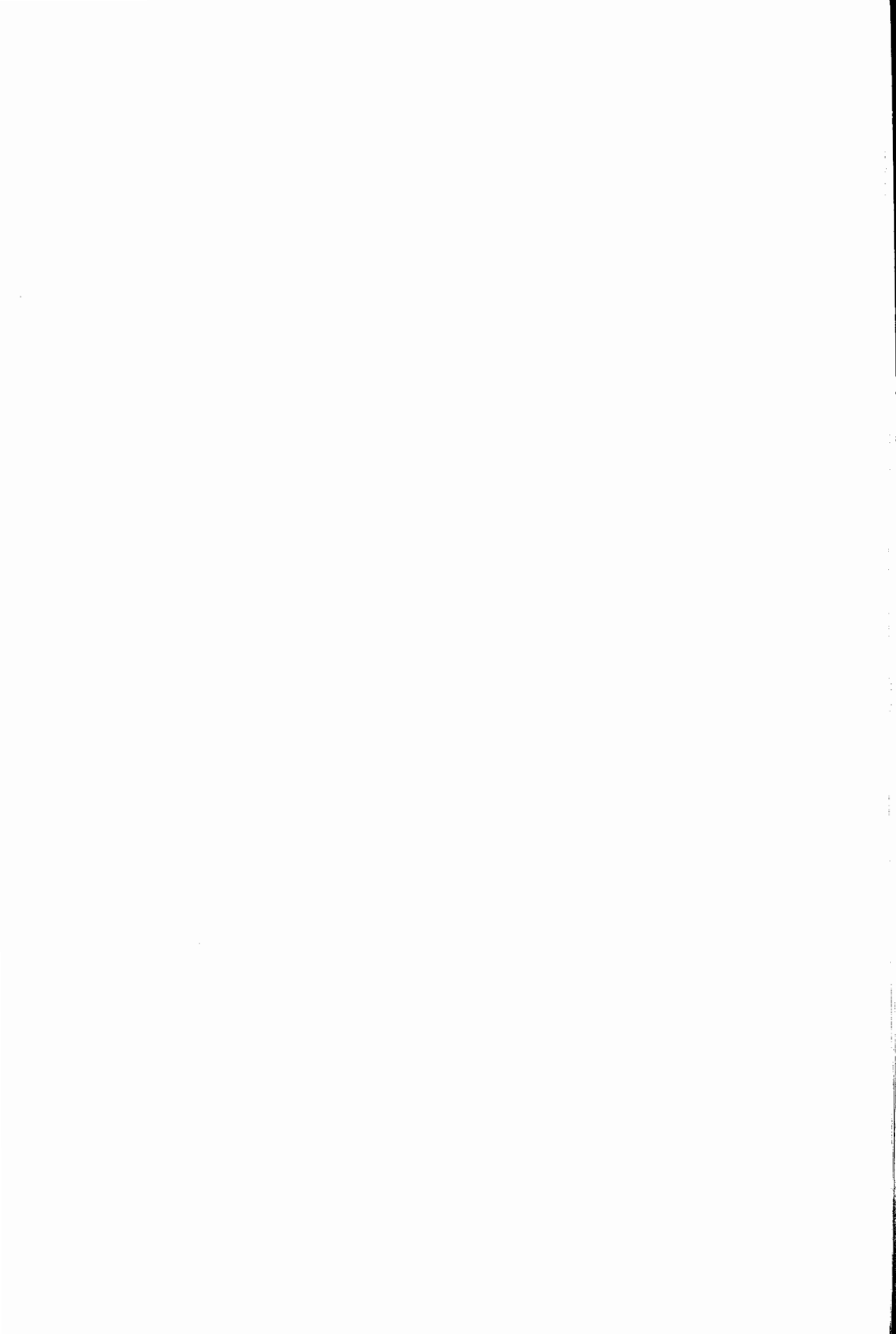
۳. پرده پندار، ص ۲۴۱ و بعد.

۷. علیخانی علی اکبر، «اخلاق دشمنی، در اندیشه سیاسی اسلام»، اخلاق کاربردی در ایران و اسلام، به اهتمام احد فرامرز قراملکی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹.
۸. فرامرز قراملکی احد، «بیکیت بیرونی، آفت گفتگوی اثربخش / در اخلاق پژوهش/»، مقالات و بررسیها، شماره ۶۸، ۱۳۷۹.
۹. همو، پرده پندار، تهران، آفتاب توسعه، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۱۰. همو، «نقد در ترازوی اخلاق»، کتاب ماه دین، شماره ۱۴۱، ۱۳۸۸.
۱۱. همو، «از نقدپذیری تا نقدگریزی»، توسعه مدیریت، ش ۲۹، شهریور ۱۳۸۰.
۱۲. فیض کاشانی ملامحسن، المحجة البيضاء، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷.ق.
۱۳. کلینی محمدبن یعقوب، الکافی، به کوشش علی غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.ش.
۱۴. مولوی جلال الدین، مثنوی معنوی، تصحیح برزگر خالقی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۰.



## **بخش اول**

**نقدهای دکتر قراملکی بر آثار دیگران**





فصل اوّل

اخلاق



## ۱. وکیل دادگستری و اخلاق حرفه‌ای \*

### در آمد

اخلاق در حرفه نقش راهبردی دارد و موجب ایجاد مزیت راهبردی است.<sup>۱</sup> کم کاری دانشمندان در تولید دانش در حوزه اخلاق حرفه‌ای، پدیده قابل تأملی است. در روزگاری که نیاز فراوان به اخلاق در همه شوؤن زندگی، از جمله در محیط شغلی داریم، نشر هر اثری در این گستره معرفتی امیدبخش است. کتاب مختصر وکیل دادگستری و اخلاق حرفه‌ای امید توجه به مسئولیت‌های اخلاقی در حرفه مؤثری مانند وکالت دادگستری را به میان آورد. به سال ۱۳۸۰ بر این اثر معرفی و نقد کوتاهی نوشتم.<sup>۲</sup> اینک همان نقد با ویراستاری اندکی مجال انتشار مجدد می یابد:

خار در پای شد چنین دشواریاب خار در دل چون بود؟ واده جواب<sup>۳</sup>

### ۱. وضعیت اخلاق حرفه‌ای در محافل علمی جامعه ما

اخلاق حرفه‌ای به منزله شاخه‌ای از دانش اخلاق در مراکز آموزش و پژوهش ما به نحو تأسف‌آوری غریب افتاده است. این مهبجوریت را دلایلی است و عواملی. تأملی در فقدان مجلات آموزشی، ترویجی، و پژوهشی متعلق به حوزه معرفتی اخلاق حرفه‌ای، نیم نگاهی به آمار سمینارها،

---

\* کشاورز بهمن، وکیل دادگستری، تهران، نشر کشاورز، ۱۳۸۰.

۱. فرد آر دیوید، مدیریت استراتژیک، ترجمه سید محمد اعرابی و علی یارسایان، تهران، موسسه پژوهش بازرگانی، ۱۳۸۲، چاپ پنجم، ص ۵۰.

۲. این مقاله پیش از این با مشخصات زیر انتشار یافته است:

فرامرزی قراملکی احد، «وکیل دادگستری و اخلاق حرفه‌ای»، در توسعه مدیریت، ش ۳۲، سال ۱۳۸۰، ص ۵۰.

۳. مولوی جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران، میلاد، ۱۳۷۵، دفتر اول، بیت‌های ۱۵۳-۱۵۲.

برنامه‌های آموزشی، مقالات پژوهشی، پایان‌نامه‌های تحصیلی و کتاب در اخلاق حرفه‌ای تلخی این واقعیت را می‌چساند. در این میان غیبت اخلاق حرفه‌ای به منزله‌ی درسی در برنامه‌ی آموزشی رشته‌های دانشگاهی مانند مدیریت، قضاوت، سینما، رشته‌های مهندسی، مشاوره و... نیز محسوس است. نبود گرایش یا رشته‌ی اخلاق به طور کلی و اخلاق حرفه‌ای به طور خاص در میان گرایش‌ها و رشته‌های تحصیلی مهجوریت پیش گفته را بیشتر نشان می‌دهد. درس اخلاق حرفه‌ای به معنای نوین کلمه تنها در رشته‌ی پزشکی مورد توجه واقع شده است و آن هم غالباً توسط دانشمندان اخلاق ناآشنا به حرفه‌ی پزشکی یا پزشکان متخلق پیشکسوت اما کم آشنا به مبانی و اصول علم اخلاق ارائه می‌گردد و همین فقر علمی را سبب می‌شود.<sup>۱</sup>

یکی از مهم‌ترین عوامل مهجوریت اخلاق حرفه‌ای به منزله شاخه‌ای از دانش اخلاق در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی کشور، فقدان پیوند بارور و دو جانبه بین حرفه‌ها و مراکز دانشگاهی است. رخنه‌ای که در ساحت مدیریت بیش از هر موضع دیگر به چشم می‌خورد. اگر مدیران در حرفه‌ی خویش چشم مشکل‌بین در حوزه‌ی اخلاق داشته باشند و برای فهم و حل آنها دست نیاز به مراکز پژوهشی برآورند، به تبع آن نیاز، تلاش علمی به جریان می‌افتد و پژوهش‌های اثربخش در اخلاق حرفه‌ای را ثمر می‌دهد. همیشه علم از مسأله فرجه می‌شود. مسایل علم اخلاق حرفه‌ای در عرصه‌های عینی حرفه‌ها و در کسب و کار متولد می‌شوند.

## ۲. مواضع قوت اثر

بهمن کشاورز، نویسنده کتاب «وکیل دادگستری و اخلاق حرفه‌ای» از پیشکسوتان حرفه‌ی وکالت است. آنچه وی را به نگارش کتاب برانگیخته است، برخورداری از چشم مشکل‌بین در حوزه‌ی اخلاق حرفه‌ای وکالت است. وی در تجارب خویش و همکاران خود با تأمل نگریسته و مسایل اخلاقی را تا حدی استقصاء کرده است. ملاک وی در رصد کردن این معضلات «قوانین نانوشته‌ای

۱. اینک که دهه‌ی هشتاد به پایان رسیده است، وضعیت علم اخلاق حرفه‌ای در نسبت با آغاز دهه‌ی هشتاد، تفاوت یافته است. دهه‌ی هشتاد، دهه‌ی اهتمام دانشمندان و مدیران ایرانی به ترویج اخلاق حرفه‌ای است. طراحی و اجرای دوره‌های PhD و Mph در اخلاق پزشکی، تأسیس گروه اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه تهران، انتشار نشریه‌های متعدد در حوزه اخلاق و انتشار دهه‌ها اثر در اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای خبر از اهتمام به اخلاق حرفه‌ای می‌دهد. اینکه این میزان از فعالیت علمی متناسب با نیازهای پژوهشی در اخلاق حرفه‌ای است یا نه، مساله قابل تأمل دیگری است.

است که اهمیت آنها کمتر از قوانین مکتوب نیست<sup>۱</sup> یا چیزهایی که در این متون رسمی یافت نمی‌شود<sup>۲</sup>. کتاب از جهت اینکه قلم پیشکسوتی از اهل حرفه است، در پوشاندن رخنه و شکاف بین حرفه و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی گامی مؤثر می‌تواند باشد. دغدغه‌های اخلاقی نخستین شرط در وقوف بر معضلات اخلاقی است. دغدغه‌ای که نویسنده را، هم انگیزه و هم روش بوده است. و لذا در کتاب اثری از فروگذاری ادب نوشتن و اخلاق وکالت نمی‌توان یافت. برخورداری از زبان روان، ساده و برخوردار از نمونه‌های عینی امتیاز دیگر این اثر است. خواندن آن را نه تنها بر وکلای دادگستری بلکه بر همه اهل حرفه از مدیران گرفته تا تجار و بازرگانان توصیه می‌کنیم. وکلا با خواندن آن نه تنها از هشدارهای اخلاقی در حرفه خود برخوردار می‌شوند بلکه با افزودن نمونه‌های دیگر، موارد و مواضع ناگفته بر غنای کتاب بیفزایند و اهل حرفه نیز می‌توانند به طور کلی از آن درس روش بیاموزند. اگر مدیری که در مدیریت شهری، به عنوان مثال، صاحب سابقه و تجربه است موارد و نمونه‌هایی از معضلات اخلاقی مدیریت شهری را استقصاء و تحلیل و بررسی کند، بدون تردید گامی مؤثر در دستیابی به اخلاق حرفه‌ای در مدیریت شهری خواهد بود. اخلاق حرفه‌ای در این اثر به مسئولیت‌های اخلاقی تعریف می‌شود و در بیان اخلاق وکلای دادگستری در واقع مسئولیت‌های اخلاقی و اصول و ارزش‌های اخلاقی در تعامل وکلای دادگستری با موکلان، همکاران [وکلای طرف دیگر دعوا] و قضات مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۳. مواضع کاستی

نگارنده این سطور به عنوان معلمی که اخلاق حرفه‌ای از مهم‌ترین محورهای برنامه آموزشی اوست، ضمن تقدیر از نویسنده متخلق کتاب که نخستین گام را در اخلاق حرفه‌ای وکالت برداشته است، برای تکمیل اثر پیشنهاد مواردی را تقدیم می‌کند:

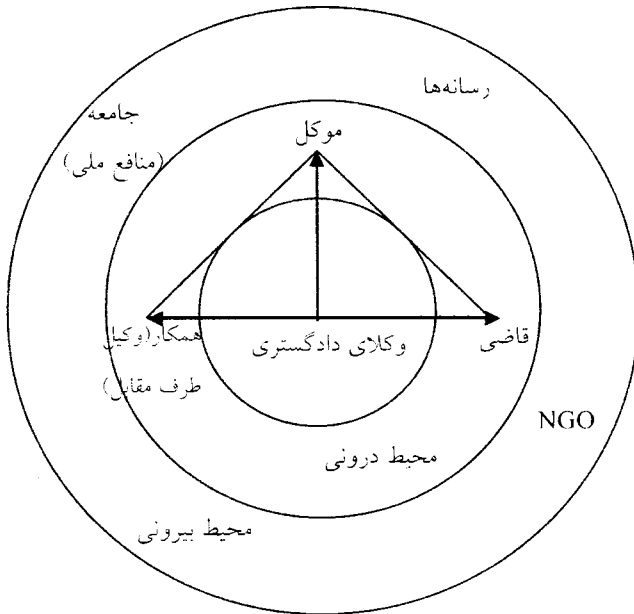
۳- ۱. **استقصاء بیشتر معضلات اخلاقی.** دیدن برخی از معضلات اخلاقی حرفه وکالت و طرح و تحلیل آنها، اگر چه تمام آنچه باید نوشت، نیست اما به منزله گام نخست اهمیت فراوان دارد. اما توقف در این حد علاوه بر نقصان امر تحقیق، ممکن است تصور فرو کاهش‌گرایانه و تحویلی‌نگرانه‌ای از اخلاق حرفه‌ای در وکالت را القا کند و این گمان را به میان آورد که اخلاق حرفه‌ای در وکالت چیزی نیست جز همین مسایل. معضلات اخلاق حرفه‌ای به طور کلی و در حرفه

۱. کشاورز، بهمن، وکیل دادگستری، ص ۶.

۲. همان.

وکالت به طور خاص دامنه بسیار فراخ‌تری دارد. محیط در مفهوم‌سازی‌های نوین بسیار فراخ دامن بوده و شامل هر چیزی است که بر سازمان و حرفه اثر می‌گذارد یا از آن اثر می‌پذیرد. نویسنده معزز در این اثر بر محیط مستقیم (افراد و گروه‌ها) عطف توجه کرده است و در آن نیز عمدتاً به سه عنصر موکلان، همکاران و کیل (به ویژه وکیل طرف دعوا) و قضات حصر نظر شده است و در این حوزه نیز تنها به طرح برخی موارد بسنده شده است. البته عنوان کتاب موهوم این نیست که لزوماً همه مسایل اخلاق حرفه‌ای در وکالت شامل گردد.

ارتباط شبکه‌ای و درهم‌تنیده عناصر فراوان محیط، ابعاد پیچیده‌ای را در اخلاق وکالت به میان می‌آورد (نمودار یک). برداشتن این گام محتاج مطالعه موردی افزون‌تر، انتقال تجارب سایر همکاران حرفه و مروری بر تجارب مغرب‌زمینیان است. مجلات و کتاب‌های فراوانی در اخلاق وکالت در مغرب زمین منتشر می‌شود. تأمل در آنها و مواجهه نقادانه آنها بر غنای علمی بحث اخلاق حرفه‌ای در وکالت می‌افزاید.



نمودار یک، محیط حرفه‌ای وکلای دادگستری

۲-۳. عبور از معضلات به مسایل یا صورت‌بندی منطقی مسایل. تمایز بین معضل و مسأله در تحلیل مسایل اخلاق حرفه‌ای اهمیت راهبردی دارد. مشکل و معضل، کلی، مبهم، عام، نامشخص، قابل رویت به سهولت و غیرقابل تحقیق است. در حالی که مسائل، معین، جزئی، روشن،

متمایز و قابل بررسی و پژوهش است. رصد کردن مسأله چشم مسلح و علمی را لازم دارد. تا مشکل به مسأله تبدیل نشود قابل حل نخواهد بود. اولین شرط حل مسأله<sup>۱</sup> صورت‌بندی منطقی آن است. به عنوان مثال، آنچه نویسنده محترم به عنوان چهارمین مورد در مبحث اول (احترام امامزاده با متولی است) می‌آورد، ناظر به بُعد مهمی از معضلات اخلاق حرفه‌ای در وکالت نیز است. رابطه وکیل با قاضی و وظایف و تکالیف اخلاقی وکیل در رفتار ارتباطی وی با قاضی از مشکلات اخلاقی است اما تا این امر به ابعاد، مصادیق و نمونه‌ها تحلیل نشود، نمی‌توان دقیقاً گفت مسایل اخلاقی در ارتباط وکیل با قاضی چیست؟<sup>۲</sup>

**۳-۳. رابطه قانون و اخلاق.** مسأله ارتباط و تمایز قانون و اخلاق علاوه بر این که به منزله مسأله بنیادین در همه نظام‌های اخلاقی مطرح است، در اخلاق وکالت و قضاوت از معضلات بسیار اساسی است. دیدگاه نویسنده به اجمال این است که اخلاق قانون نانوشته است؛<sup>۳</sup> اما این کافی نیست. وکیل هم مانند هر صاحب حرفه‌ای باید مورد اعتماد باشد. اعتمادآفرینی در گرو پیش‌بینی‌پذیری است و پیش‌بینی‌پذیری مرهون قانون‌مند بودن رفتار ارتباطی در همه شوون است و این به معنای لزوم قانون‌مندی تکالیف و تعهدات اخلاقی است. اما آیا اخلاق می‌تواند قانون باشد. اگر پاسخ مثبت است پس با آمدن قانون و حقوق به اخلاق چه حاجتی است؟ اگر چه بسیاری از اخلاقیات به تدریج و با حمایت دولت‌ها شکل قانون می‌یابند اما اخلاق را نمی‌توان به قانون ارجاع داد. اخلاق پای‌بندی به ارزشها است و این پای‌بندی از درون فرد می‌جوشد اما قانون پای‌بندی به الزام است.

**۳-۴. منشور اخلاق حرفه‌ای وکالت.** آنچه در این کتاب اساساً مورد توجه واقع نشده است، نظام اخلاق حرفه‌ای در وکالت است. البته با توجه به ادبیات و پژوهش‌های اخلاقی در حرفه سخن از منشور مدون اخلاق در همه حرفه‌ها آرزوی نسبتاً دور است.

آرزو می‌خواه لیک اندازه خواه برنتابد کوه را یک برگ کاه

## 1. problem solving.

۲. برای تفصیل سخن در این مقام نک: فرامرز قراملکی احد، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵.

۳. برداشت نگارنده این سطور از *وکلاهی دادگستری*، ص ۶.

در حرفه وکالت در دو سطح محتاج منشور اخلاق حرفه‌ای هستیم: عهدنامه اخلاقی وکلای دادگستری و منشور چند وجهی اخلاق کانون وکلا یا هر سازمان مردم نهاد و صنفی در این حرفه.

۳-۵. **کانون اخلاق حرفه‌ای**. امروزه در توسعه اخلاق در حرفه و نیز در تحول سازمانی امر قضاوت، بحث از کانون اخلاق حرفه‌ای اهمیت فراوانی دارد. کانون اخلاق حرفه‌ای از مهم‌ترین ارکان جامعه مدنی است که از طریق بسیاری از پرونده‌های مطرح شده در دادگستری مفهوم نوینی یافته و بستر قابل حل‌تری می‌یابد.

#### کتابنامه

۱. فرامرز قراملکی احد، *روش‌شناسی مطالعات دینی*. مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵.
۲. همو، «*وکیل دادگستری و اخلاق حرفه‌ای*»، توسعه مدیریت، ش ۳۲، ۱۳۸۰.
۳. فرد آر دیوید، *مدیریت استراتژیک*، ترجمه سید محمد اعرابی و علی پارساییان، تهران، موسسه پژوهش بازرگانی، ۱۳۸۲، چاپ پنجم.
۴. کشاورز بهمن، *وکیل دادگستری*، تهران، نشر کشاورز، تابستان ۱۳۸۰.
۵. مولوی جلال‌الدین بلخی، *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران، میلاد، ۱۳۷۵.



## ۲. نقد در ترازوی اخلاق\*

### درآمد

اخلاق نقد یکی از حوزه‌های مهم اخلاق پژوهش است. فراتر از اینکه نقد خود یک فعالیت پژوهشی است، نقد محصولات پژوهشی در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی و... ضامن پویایی و اثربخشی پژوهش است. اما نقد را روشی است و ادبی. دکتر سید حسن اسلامی، محقق پُر کار و سخت‌کوش که توجه‌اش به مسایل مبتلا به جامعه در حوزه اخلاق سبب غبطه و احیاناً موجب حسد است، به سال ۱۳۸۳ کتاب اخلاق نقد را در تحلیل مفهوم نقد، روش‌ها و اخلاق آن منتشر کرد. به سال ۱۳۸۸ یعنی پس از پنج سال نقد گونه‌ای کوتاه بر آن نوشتم\*\* که اینک همنشین سایر نقدها شده است. دکتر اسلامی پس از این اثر مقاله‌های فراوانی در حوزه اخلاق منتشر کرده است. از جمله *اخلاق مخالفت<sup>۱</sup> و اخلاق مناظره<sup>۲</sup>*.

نقد حرفه‌ای پیشه‌ام نیست، هرچند اندیشه‌ام از دغدغه منطق و تفکر انتقادی فارغ نیست. اگرچه عمری را با شیفتگی به منطق و تفکر انتقادی سپری کرده‌ام، اما جز چند مقاله از جمله مبانی منطق<sup>۳</sup>

---

\* اسلامی سیدحسن، «اخلاق نقد»، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳.

\*\* فرامرز قراملکی احد، «نقد در ترازوی اخلاق»، کتاب ماه دین، ش ۱۴۱، تیر ۱۳۸۸ و همو، «نقد در ترازوی اخلاق»: در عبار نقد، به کوشش علی اوجبی، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۸، صص ۳۱۳-۳۲۶.

۱. اسلامی سیدحسن، «اخلاق مخالفت»، فصلنامه هفت آسمان، ش ۴۷، ۱۳۸۹.

۲. همو، «اخلاق مناظره»، در اخلاق کاربردی در ایران و اسلام، به اهتمام احد فرامرز قراملکی، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹، صص ۲۴۹-۲۸۸.

۳. فرامرز قراملکی احد، نقد مبانی منطق. تألیف محمد علی اژه‌ای، اصفهان، دانشگاه انقلاب، ش ۱۰۰، چاپ اول، ۱۳۷۲.

و زبان دین<sup>۱</sup> بر اثری نقد ننوشتیم. عواملی اینک مرا به نقد دیگر می‌خواند: نقد/اخلاق نقد، تألیف سید حسن اسلامی.

اهمیت موضوع و همدلی‌های فراوان با پژوهش‌های اخلاقی مؤلف دو عامل عمده‌اند. پرداختن به اخلاق کاربردی را از فوری‌ترین مطالعات می‌دانم و اخلاق نقد یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اخلاق کاربردی است. نگارنده کتاب، با پشتکار ستودنی به زمینه‌های مختلف اخلاق کاربردی می‌پردازد. تتبع فراوان و نکته‌بینی‌های او هم قابل تحسین و هم محتاج نقد و تکمیل است. تاکنون اثری نیافتم که در این موضوع اهمیت نقد و بررسی داشته باشد. مرادم از نقد را در این مقام توضیح نمی‌دهم چرا که بر سر مفهوم نقد با مؤلف محترم سر نقد دارم.

### ۱. ساختار کتاب

از پیشگفتار ناشر که بگذریم، اثر از یک مقدمه و نه فصل سامان یافته است. مفهوم نقد، نقد و خرده‌گیری، نقدگریزی، نقد سازنده، نقد بدخواهانه، نقد و تخصص، کارکرد نقد، نقدپذیری و اخلاق نقد، عنوان‌های نه فصل‌اند. عنوان‌ها نشان می‌دهند که حجم اصلی اثر به تحلیل نقد و تمایز گونه‌های نقد و امثال آنها می‌پردازد. تنها فصل آخر<sup>۲</sup> که نسبت به حجم کتاب ناچیز است به موضوع کتاب اختصاص دارد.

### ۲. تحلیل مفهوم نقد

مؤلف محترم فصل اول را به مفهوم اخلاق از طریق بررسی معانی واژه نقد در عربی و فارسی اختصاص داده است. در نخستین بحث، هدف «نشان دادن گسترده معنایی این واژه در زبان عربی و بیان بارهای عاطفی گوناگون آن است». به نظر نویسنده امروزه از میان معانی یاد شده معانی که هم چنان رواج دارند عبارت است از: سخن سنجی<sup>۳</sup>، پول حاضر، در برابر نسبه، شناخت زر و سیم سره از ناسره و خرده‌گیری (و داوری و ارزیابی و نکته‌سنجانه) معانی واژه در زبان فارسی است<sup>۴</sup>. از میان معانی واژه سه معنا؛ یعنی پول رایج، ارزیابی پول رایج و خرده‌گیری هم در عربی و هم در فارسی به

۱. فرامرز قراملکی احد. *نقد زبان دین*. تألیف امیر عباس علی زمانی، قیسات، ش ۲.

۲. اسلامی سید حسن، «*اخلاق نقد*»، صص ۱۵۱-۱۲۵.

۳. همان، ص ۲۰.

۴. همان، ص ۲۱.

یکدیگر وابسته‌اند و حتی می‌توان گفت معانی پسین از معانی پیشین زاده شده است.<sup>۱</sup> بر این اساس به تدریج بار عاطفی منفی یکی از معانی مستقل نقد گشت تا جایی که معنای سوم نقد نیز زاده شد! خرده‌گیری، عیب‌جویی و نکته‌سنجی.<sup>۲</sup> مؤلف پس از این بررسی واژه‌شناختی به تعریف نقد می‌پردازد: ارزیابی خرده‌گیرانه درباره کسی یا چیزی<sup>۳</sup> () در جایی با افزودن قید ناهمدلانه به داوری.<sup>۴</sup> فصل دوم، در واقع به دفاع از این تعریف اختصاص یافته است و پس از مقایسه نقد با Criticism که مؤلف آن را معادل انگلیسی نقد می‌داند به ذکر پنج دلیل در اینکه نقد به معنای داوری خرده‌گیرانه است می‌پردازد.<sup>۵</sup>

بیان مؤلف بسیار اجمالی و در مواضعی سخن لرزان و پُر رخنه می‌نماید:

۱. مؤلف تصور معانی سه گانه نقد را بدون شاهد و دلیل و حتی بدون ارجاع به تحقیقات پیشین آورده است. و به صورت ادعایی بی‌دلیل مانده است.
۲. تحلیل نویسنده از Criticism نمونه‌ای از آسان‌گیری نابخشودنی در تحلیل مفاد واژه نقد در زبان انگلیسی است. استناد نویسنده نیز به برخی منابع لغت‌نامه‌ای موجه نیست. می‌دانیم امروزه دهها مطالعه نظام‌مند درباره تطور این واژه از اصل یونانی تا کاربرد امروزی انگلیسی منتشر شده است.
- واژه Kritikos در یونانی به معنای تشخیص و تمییز داده، انتخاب کردن و تصمیم گرفتن است. این واژه مشتق از Krinein به معنای تشخیص و تمییز، انتخاب و تصمیم است.<sup>۶</sup> روشن است که معنای واژه در زبان یونانی در مقابل تحلیل نویسنده قرار دارد. همچنین نباید دو مصدر to critique , to criticise را با هم در آمیخت. اولی خرده‌گیری است اما دومی به معنای تحلیل و سنجش به صورت مطلق است. این هردو مصدر در فارسی امروز به نقد ترجمه می‌شود.

۱. همان، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۳.

۵. همان، صص ۳۰-۳۳.

6. Methieuo Rosay jean, Dictionnaire etymologique Les nouvelles edition arabout, Belgique. 1985. p. 147.

۳. در عبارت مؤلف مبنی بر این که معنای سوم واژه نقد خرده‌گیری، عیب‌جویی و نکته‌سنجی است<sup>۱</sup>، روشن نیست که نکته‌سنجی مترادف با عیب‌جویی است یا مطلق سنجش است. اگر مراد اولی باشد نیازی به آن نیست و اگر دومی باشد ذکر مفهوم اعم پس از مفهوم اخص است.

۴. مؤلف محترم در بیان معنای نقد در عربی به مباحث مهمی اشاره می‌کند از جمله: یک، تحلیل ارتباط این معنای و اینکه واژه در آن معانی مشترک لفظی است یا می‌توان مفهوم واحد به عنوان جامع مشترک بین آنها یافت؛ دو، تحلیل اینکه برخی از معانی منقول‌اند یا مجازاند. این مطلب در بیان معنای واژه در فارسی نیز مورد توجه قرار نگرفته است. تلاش نویسنده تصویری اجمالی از واژه به دست می‌دهد اما این تصور از روشنی و تمایز کافی برخوردار نیست.

۵. تعریف مؤلف از نقد «ارزیابی خرده‌گیرانه درباره چیزی یا کسی» از جهاتی قابل نقد است. تعریف را نه به ترازوی صدق و کذب، بلکه به ترازوی شایستگی و ناشایستگی و رسا و کامل بودن می‌سنجد. اصرار نویسنده آن است که مفهوم خرده‌گیری را در تعریف نقد اخذ کند. بر این اساس در تعریف وی ارزیابی را می‌توان به منزله جنس و خرده‌گیرانه را به منزله فصل دانست. هر چند که وی به مؤلفه‌های مفهومی نقد دقیقاً اشاره نمی‌کند. مناقشه با تعریف نویسنده و نقد آن مجال دیگری می‌طلبد. با توجه به اینکه وی خرده‌گیری را در مواضعی مترادف با عیب‌جویی می‌داند<sup>۲</sup>، اخذ خرده‌گیری در تعریف نقد، اساساً نقد را رفتار غیراخلاقی جلوه می‌دهد و آن را از مقسم بودن برای نقد عیب‌جویانه و نقد حسن‌جویانه خارج می‌سازد. نویسنده بر لازمه دوم وقوف دارد و هر گونه تقسیم نقد را نفی می‌کند. ادعایی که بدون وجه مانده است. به بررسی اجمالی ادله نویسنده برای اخذ عیب‌جویی در تعریف نقد بسنده می‌کنم.

### ۳. ادله نویسنده در حصر مفهوم نقد به عیب‌جویی

یک) ریشه معنایی واژه نقد. یکی از معانی مسلم نقد، خرده‌گیری است<sup>۳</sup>. روشن است که این می‌تواند نوعی گواه و قرینه باشد و نه دلیل و إلا مصداق خطای دلیل‌پنداری چیزی است که دلیل نیست. و ناشی از عدم تمایز شرح اللفظ از شرح الاسم است.

۱. اسلامی سید حسن، اخلاق نقد، ص ۲۳.

۲. مانند: همان، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۳۱.

**دو)** کاربرد گسترده نقد در فرهنگ ما به معنای داوری خرده‌گیرانه. استناد به شهود زبانی در این مقام هم رخنه صغروی دارد و هم رخنه کبروی. چنین استنادی صرفاً برای شناخت معنای رایج واژه مقبول است نه برای تعریف مفهوم آن. واژه شفاعت و انتظار ممکن است در عرف از تعریف خود دور افتند و معنای مجازی و حتی مرتجل پیدا کنند. تبادل، اطراد، عدم صحت سلب همه از علائم و دلایل شرح اللفظاند و نه شرح الاسم. و در آمیختن این دو در دیار ما ماجرای تلخی دارد.<sup>۱</sup> نویسنده دانشمند در موضع دیگر به همین نکته روشی توجه دارد و براساس آن تصریح می‌کند که «رواج یک مفهوم را مانع نقد درستی آن نمی‌داند».<sup>۲</sup>

**سه)** استناد نویسنده به سخنان نویسندگان درباره منتقدان. خلاصه حرف این است که نویسندگان فراوانی منتقدان را خرده‌گیران و عیب‌جویان تلقی می‌کنند. اما معلوم نیست که این بیان در واقع، نقد نقادی منتقدان است یا بیان تعریف نقد یا بیان واکنش هیجانی نویسندگان در برابر خرده‌گیری که به نام نقد به عیب‌جویی می‌پرداختند؟ توجه به این سه فرض رخنه /خند ما لیس بعلة علة را در این احتجاج نشان می‌دهد.

**چهار)** مؤلف می‌گوید: تلاش‌هایی مبنی بر این که نقد عیب‌جویی نیست، خود نشان می‌دهد که گویندگان چنین سخنانی از آن بار عاطفی منفی آن را برداشت می‌کنند. از این روی آنان می‌کوشند این بار منفی را خنثی نمایند.<sup>۳</sup> اگر این استدلال را معتبر بدانیم باید سخن زیر را به عنوان یک قاعده بپذیریم:

«هرکسی می‌گوید «الف ب نیست» همین سخن دلیل بر این است که الف در واقع ب بوده است».

اگر چنین قاعده‌ای را بپذیریم هر چیزی دلیل بر هر چیزی است بدون آنکه به منطق و قواعد آن حاجتی باشد.

باید توجه کرد که «نفی بار منفی از نقد» می‌تواند حداقل ناظر به دو مقام باشد: نفی بار منفی به عنوان مقوم مفهومی نقد، نفی بار منفی به عنوان لازمه خارجی نقد. ممکن است کسی بپذیرد که نقد

۱. نک: حایری یزدی مهدی، کاوش‌های عقل نظری، تهران، دانشگاه تهران.

۲. اسلامی سید حسن، اخلاق نقد، ص ۷۵.

۳. همان، ص ۳۳.

در مقام تحقق - و به دلیل شیوه‌های خاص رایج - همراه با بار منفی است اما نقد بنا به تعریف بار منفی ندارد، زیرا مقید کردن مفهوم نقد به عیب‌جویی آن را بسیار مضیق می‌نماید.

**پنج)** مؤلف گوید: «در مقام داوری اگر نظر ما کاملاً مثبت باشد، به کار ما نقد نمی‌گویند بلکه آن تعریف و تمجید است»<sup>۱</sup>. این استدلال مؤلف بر قیاس مضمحل استثنایی مرخم استوار است، تصریح دلیل چنین است: نقد یا تعریف و تمجید است یا خرده‌گیری. مؤلفه اول درست نیست پس تعریف نقد همان خرده‌گیری است. خطای استدلال در ایهام منع خلو است. و منشأ خطای ایهام منع خلو در آمیختن مقام تحقق و مقام تعریف است. نقد در مقام تحقق دو سویه است. بیان جنبه‌های نیکو و بیان جنبه‌های بد، اما بنا به تعریف می‌تواند از هر دو مؤلفه خالی باشد. مقام تحقق نیز وابسته به امر مورد نقد و فرایند آن است و نه مفهوم نقد. امری ممکن است فاقد عیب باشد، نقد آن در تحقق خارجی به صورت تعریف و تمجید ظهور می‌کند و امر دیگری فاقد حسن است و نقد آن صرفاً عیب‌جویی می‌شود و امری دیگر دارای ابعاد زشت و زیباست و لذا نقد آن تمایز سره و ناسره است. پس نقد را بنا به تعریف، نمی‌توان به یک سوی این دو شق مقید کرد. اگر خرده‌گیری در تعریف نقد اخذ نشود، می‌توان مفهوم‌سازی فراگیری از آن به دست آورد و آنگاه سنجش و ارزیابی را به گونه‌های مختلف عیب‌جویانه، حسن‌جویانه، منصفانه تقسیم کرد. به هر روی نویسنده محترم بر اخذ داوری ناهمدلانه و عیب‌جویانه در تعریف نقد مصر است.

**شش)** مؤلف گوید: تقسیم‌بندی‌های گوناگونی نقد را به دو دسته تقسیم می‌کنند. مبنای چنین تقسیم‌هایی بار عاطفی منفی نقد است که کسانی را بر آن داشته تا با ارایه چنین تقسیماتی نقد را از این بار منفی برهانند<sup>۲</sup>. واقع آن است که اگر نقد را به اخلاقی و غیراخلاقی یا خوب و بد یا سازنده و مخرب تقسیم کنیم محتاج مقسم هستیم. همین که مؤلف محترم باور دارد که می‌توان داوری را همدلانه و ناهمدلانه دانست، مقسم داوری است. اگر نقد و سنجش می‌تواند جهت‌گیری یافتن سره و ناسره داشته باشد، نقد نمی‌تواند مقید به یک قسمی باشد. پس مفهوم نقد لایه شرط از همدلی و ناهمدلی، عیب‌جویی و حسن‌جویی است. اگر طبق دیدگاه مؤلف عیب‌جویی را مقوم مفهوم نقد

۱. همان، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۳۳.

بدانیم باید توصیه حافظ را به معنای تحذیر افراد از نقد تلقی کنیم. البته این توصیه حافظ انعکاسی از روایات اخلاقی است.

عیب درویش و توانگر به کم و بیش بدست کار بد مصلحت آنست که مطلق نکنیم تعریف را باید از توصیف تمایز داد و تعریف را به محک ارایه تصور روشن و متمایز سنجد. تعریف نقد باید به پرسش‌های زیر پاسخ دهد. نقد با نقاش و مناقشه چه تمایزی دارد؟ نقد با عیب‌جویی مذموم چه تفاوتی دارد؟ هدف صناعی نویسنده از مفهوم‌سازی نقد به داوری ناهمدلانه و عیب‌جویانه چیست؟ و هم‌نشینی اخلاق با چنین مفهومی چه تحلیلی دارد؟ نقد با ارزش داوری چه نسبت مفهومی دارد؟

وقتی متخصص فرش به دیده نقد این اثر هنری می‌پردازد، آیا صرفاً در جستن معایب و رخنه‌هاست یا در مقام استقصاء محاسن و معایب و مقایسه کمی و کیفی آنها است. چرا کاربرد مولانا را که نویسنده آن را مجازی می‌داند به مفهوم نقد نزدیک‌تر ندانیم؟

برسر خرمن به وقت انتقاد  
تا به انباری رود یا چاه‌ها<sup>۱</sup>

این استدلال که گفته می‌شود ایجاد احساس منفی به وسیله نقد در شخص مورد نقد دلیل این است که نقد مفهوماً داوری با بار عاطفی منفی است؛ از رخنه‌های منطقی متعددی رنجور است. اول، ایجاد احساس منفی می‌تواند ناشی از بار عاطفی نقد به منزله همراه و عرض آن باشد نه مقوم مفهومی، دوم، نحوه نقد و طرز بیان نقد ممکن است موجب احساس منفی باشد و نه خود نقد. در این صورت استناد بار منفی به خود نقد آشکارا خطای اخذ مابالعروض مکان مابالذات است. حاصل سخن در تعریف نقد این است که اولاً ادله مؤلف دانشمند در حصر مفهومی نقد به عیب‌جویی و خرده‌گیری مخدوش و دارای رخنه است و بر اثبات مدعا ناتوان، ثانیاً می‌توان گفت نقد در دو مفهوم اطلاق می‌شود. نقد به معنای عیب‌جویی که معادل to criticism است و نقد به معنای سنجش و تحلیل فراگیر رویت عیب و حسن که معادل to critique است. نفی مفهوم دوم از اطلاق واژه وجه منطقی و فایده کاربردی ندارد.

---

۱. مولوی جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران، انتشارات میلاد، ۱۳۷۵، دفتر چهارم، بیت‌های ۱۴۳ و ۱۴۴.

## ۴. نقد‌گریزی

فصل سوم کتاب به نقد‌گریزی می‌پردازد. بحث از نقد‌پذیری و نقد‌گریزی از مباحث مهم اخلاق حرفه‌ای است.<sup>۱</sup> تبیین روشمند نقد‌گریزی را از دانش‌های تجربی مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی باید جستجو کرد. البته با روی آوردن درون دینی یعنی جستجو از آیات و روایات نیز می‌توان به بحث علل نقد‌گریزی در متون دینی پرداخت. نویسنده بدون پای‌بندی به یکی از چارچوب‌های نظری یاد شده، تحلیلی ارایه می‌کند که خلاصه‌اش این است: ما بدین دلیل از انتقاد می‌ترسیم که آن را بر حق می‌دانیم و بدان جهت از آن وحشت داریم و نسبت به آن واکنش منفی نشان می‌دهیم که رفتارهای خود با شخصیت و وجودمان یکی می‌پنداریم و در نتیجه نقد آنها را نقد خود دانسته‌ایم.<sup>۲</sup> بدون آنکه سخن مؤلف را در تحلیل نقد‌گریزی کامل و حتی روشمند بدانیم، یافته‌ای مهم در بیان وی را با تأکید ارج می‌نهمیم: نویسنده به یک خطایی رهنمون شده است که افراد در خودشناسی دچار آن می‌شوند و رواج این خطا و آسیب‌های فراوان آن به اندازه‌ای هست که می‌توان با نام معین آن را مشخص کرد. من در اخلاق حرفه‌ای رواج احترام مشروط را ناشی از این خطا دانسته‌ام.<sup>۳</sup> این خطا را می‌توان یکسان‌پنداری رفتار فرد با وجود او دانست. ارزش داوری رفتار فرد به معنای ارزش داوری درباره خود وی نیست. این خطا هم بر ناقد و هم بر فرد مورد نقد آسیب می‌زند. ناقد با نقد رفتار و خرده‌یابی و کشف عیوب رفتاری حکم به پست بودن شخص می‌دهد و لذا وی را شایسته احترام نمی‌داند. و فرد مورد نقد نیز نقد گفتار و کردار خود را به منزله تخریب شخصیت خود می‌انگارد. این خطا را می‌توان مصداقی از مغالطه تحویلی‌نگری دانست. یکی از آثار این خطا مقاومت فرد در برابر تغییر رفتار است. نقد‌گریزی را عوامل فراوانی است که بسط آنها نه در مجال تألیف مورد نقد و نه در مجال نوشتار حاضر بوده است. اما توجه به مراتب نقد‌گریزی ره‌گشاست. نقد‌گریزی دارای مراتب مختلف است؛ مرتبه‌ای از آن نقد‌گریزی آشکار است و مرتبه دیگر نقد‌گریزی نقاب‌دار است که غالباً با

۱. جالینوس رساله‌ای در شناخت عیوب نفس دارد که محمدبن زکریای رازی خلاصه آن را در *الطب الروحانی* می‌آورد. جالینوس گام نخست در پیشگیری و درمان نفس را شناخت عیوب خویش از طریق درخواست نقد از دیگران و ترغیب دیگران به نقد رفتارهای خویش است (نک، مقاله نقد روش شناختی طب روحانی رازی همین مجموعه).

۲. اسلامی سید حسن، *اخلاق نقد*، ص ۴۶.

۳. فرامرز قراملکی احد، *سازمان‌های اخلاقی در کسب و کار*، تهران، مجنون، چاپ سوم، ۱۳۸۷، صص ۱۵۰-۱۵۱.



ماسک<sup>۱</sup> نقدپذیری به نمایش گذاشته می‌شود. در مجال دیگر در این باب سخن گفته‌ام.<sup>۲</sup> نقدگریزی واکنش هیجانی در مواجهه با نقد است که می‌تواند به نقدستیزی هم برسد. نقدپذیری واکنش هوشمندانه و مسئولیت‌پذیرانه است. کسانی که از توان هوش هیجانی (EQ) کمتری برخوردارند، در برابر نقد واکنش هیجانی گریز یا ستیز دارند و در نتیجه یا خود را مقصر می‌انگارند یا ناقد را محکوم می‌کند. ولی کسانی که دارای توان هوش هیجانی بیشتری‌اند، هوشمندانه از نقد اقبال می‌کنند، آن را محترم و معتنم می‌انگارند، ولی برای پذیرش سخنان ناقد با جهت‌گیری مسأله‌محورانه براساس فرآیند روشمندی به پردازش نقد می‌پردازند. این فرایند از تبدیل محتوای نقد به عنوان داده به اطلاعات آغاز و با پردازش و تحلیل منطقی پایان می‌یابد. چنین مواجهه‌ای هم هوشمندانه و هم ناشی از احساس مسئولیت در قبال حقوق خود و حقوق منتقد است. واکنش هیجانی به نقد برخلاف تصور نویسنده محترم، ناشی از این نیست که نقد بنا به تعریف عیب‌جویی و دارای بار عاطفی منفی است بلکه برخاسته از الگوی رفتار ارتباطی ناقد و مورد نقد، نحوه آرایه نقد، موقعیت فردی و جمعی آرایه نقد و شرایط هیجانی فرد مورد نقد است. نه شیوه‌های نقد برانگیختن احساسات منفی فرد مورد نقد یکسانند و نه ظرفیت اشخاص در قبال نقد یکسان است. نویسنده محترم در مبحث نقد و دفاع‌های غیراخلاقی گزارشی از مکانیسم‌های دفاعی از منابع نه چندان معتبر می‌دهد، مفهوم روان‌شناختی نهاد را با نفس اماره همسان می‌انگارد. تعریفی که نویسنده از مکانیسم‌های دفاعی می‌آورد و ترنند دروغین بودن را در آنها اخذ می‌کند.<sup>۳</sup> (با ارجاع به فرهنگ توصیفی اصطلاحات روان‌شناسی فرانک برونر) بر دیدگاه فروید استوار است. فروید که کاشف سازوکارهای روانی است آنها را تماماً مرضی و عرضی نمی‌داند. و روان‌شناسان متأخر نیز با مرضی و ناسالم انگاشتن همه مکانیسم‌های دفاعی مخالفت می‌کنند و آنها را به دو گروه سالم و غیرسالم تقسیم کردند، سازوکار تضادگرایانه نمونه‌ای از مکانیسم دفاعی سالم است. نویسنده محترم با اخذ تعریف فرویدی به توضیح ده سازوکار دفاعی در برابر انتقاد (انکار، انگیزه‌خوانی ناقد، نقد متقابل، تحقیر ناقد، دلیل تراشی، کوچک جلوه دادن نقد، گریز و بازگشت فرافکنی، مقصر دانستن دیگران و بازخواست اخلاقی)

۱. مفهوم ماسک را به معنایی که یونگ به کار می‌برد، اطلاق می‌کنیم.

۲. فرامرز قراملکی احد، «از نقد‌گریزی تا نقد‌پذیری»، پرده پندار، تهران، آفتاب توسعه، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۳. اسلامی سید حسن، اخلاق نقد، ص ۴۳.

می‌پردازد.<sup>۱</sup> به این ترتیب در فصل سوم بیان اجمالی شیوه‌های نقد‌گریزی براساس نظریه مکانیسم‌های دفاعی بیان می‌شود و جز در دو صفحه آخر به مواجهه بایسته با نقد پرداخته نمی‌شود. نقد نسبتی بین دو فرد [در حداقل صورت] ایجاد می‌کند: ناقد و فرد مورد نقد. توصیه‌های اخلاقی نقد شامل بیان بایسته‌های هر دو طرف است. از «اخلاقی نقد» دو انتظار داریم: بیان مواجهه بایسته و اخلاقی با نقد ناقدان و بیان نقد اخلاقی با بیان اخلاقی نقد (برحسب اختلاف در تعریف نقد). در این فصل از مواجهه اخلاقی یا واکنش شایسته با نقد سخن نمی‌رود.

## ۵. دو ترازوی سنجش نقد

فصل چهارم تقسیم نقد به سازنده و مخرب را با چالش در مفهوم نقد سازنده و طلب ملاک عینی برای تمایز سازنده و مخرب به نقد می‌گیرد. ملاک‌هایی چون کمک به شخص مورد نقد برای برطرف کردن عیوب و بهبود رفتار، نیت دوستانه، سازنده بودن نقد، برداشت سازنده شخص مورد نقد، نقد رفتار و نه نقد صاحب رفتار، نقد توأم با راه حل، نقد باعث سود جامعه و رشد علوم، در این فصل مورد نقد قرار می‌گیرند و حاصل بحث مؤلف این است که «تقسیم سازنده و مخرب مبنایی عینی و استنادپذیر ندارد».<sup>۲</sup> دلیل عمده نویسنده در نقد تقسیم نقد به سازنده و مخرب، رواج این تقسیم‌بندی است که گاهی به صورت سازوکار دفاعی (مخرب‌نگاری نقد) به کار می‌رود. در این مقام باید گفت: اگر نقد را گونه‌ای رفتار ارتباطی بدانیم آن را می‌توان بر دو ترازو نهاد و به دو تقسیم‌بندی رسید:

۱. نقد اثربخش و غیراثربخش.

۲. نقد اخلاقی و غیراخلاقی.

ترازوی تقسیم‌بندی نخست بر ملاک‌های عینی که روان‌شناسان در سبک‌های رفتاری ارایه کرده‌اند، استوار است.<sup>۳</sup> ترازوی تقسیم‌بندی دوم، ملاک اخلاق در یک نظام اخلاقی، به عنوان مثال رعایت حقوق افراد، است.<sup>۴</sup> حال اگر کسی نقد سازنده و مخرب را به یکی از این دو تقسیم‌بندی ارجاع دهد چگونه می‌توان آن را مورد نقد قرار داد؟ مؤلف محترم با این سؤال روبه‌رو نمی‌شود. فصل پنجم به بررسی تقسیم نقد به نقد بدخواهانه و مغرضانه و نقد منصفانه و خیرخواهانه می‌پردازد. مؤلف

۱. همان، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۷۵.

۳. نک: قربانی نیما، سبک‌های ارتباطی، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۴.

۴. فرامرز قراملکی احد، درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای، تهران، سرآمد، ۱۳۸۷.

این تقسیم‌بندی را می‌پذیرد و نقد بدخواهانه را عملی غیراخلاقی می‌داند به گونه‌ای که اگر شخص مورد انتقاد از آن بهره گیرد، به تباهی منتقد و سقوط اخلاقی او خواهد انجامید.<sup>۱</sup> بیان اخیر محل تردید و نقد است. اگر برای مواجهه با نقد مدل و روشی داشته باشیم نیت ناقد موجب تباهی فرد نمی‌شود. اگر در اخلاق نقدپذیری اصولی برای مواجهه با نقد تأسیس کنیم، با رعایت این اصول می‌توان از هر نقدی میوه شیرین چید. بیتی که مؤلف محترم<sup>۲</sup> از سعدی نقل می‌کند:

«کو دشمن شوخ چشم ناپاک  
تا عیب مرا به من نماید»

با جمله وی در این مقام تعارض دارد. سعدی با مواجهه هوشمندانه با نقد حتی نقد مغرضانه را نیز محترم می‌شمارد و البته آسیبی نمی‌بیند. جالینوس نیز، بر حسب گزارش طب روحانی، گوید: پاکان از دشمنان خود نیز بهره‌مند می‌شوند و سخنان پایانی مؤلف در آخر فصل ششم نیز با این بیان سازگار است. رخنه اساسی در کتاب اخلاق نقد عدم توجه به نقد عنوان رفتار ارتباطی درون شخصی و بین شخصی است. به میان نیامدن بحث مهم خویشتن نقدی (نقد در رفتار ارتباطی درون شخصی)<sup>۳</sup> بسیاری از تحلیل‌ها را یک بُعدی کرده است و از طرفی مباحث به ارایه مدل‌ها و الگوهای رفتاری اثربخش و اخلاقی در هر دو مقام نقد و مواجهه با نقد نیانجامیده است. مؤلف به حق دشمنی و دوستی ناقد را معیاری برای ارزیابی درستی یا نادرستی نقد نمی‌داند و چنین انگاره‌ای را بر مغالطه انگیزه و انگیزه استوار می‌یابد. فصل ششم به این مسئله پاسخ می‌دهد که آیا نقد باید از طرف فرد متخصص ارایه شود؟ پاسخ نویسنده منفی است و اهم ادله وی به شرح زیر است: «تکیه بر مسئله تخصص حربه‌ای است برای بیرون راندن ناقد از عرصه و خاموش ساختن او». یعنی نوعی مکانیسم دفاعی در برابر نقد.

دلیل دوم اینکه احراز تخصص همیشه به سهولت امکان‌پذیر نیست و دلیل سوم انحصاری شدن نقد است. اگر نظام‌های اخذ و تحلیل نقد را در جهان صنعتی مورد توجه قرار دهیم باید از خیر این فصل بگذریم و بر ضرورت تخصص‌گرایی در نقد تأکید کنیم. به همین دلیل در نقد این فصل تنها به گزارش و نقد یک بند بسنده می‌کنم:

۱. اسلامی سید حسن، اخلاق نقد، ص ۸۰.

۲. همان، ص ۸۵.

۳. در مقاله «نقد: هدیه یا دهنه؟» به بحث از خودانتقادی یا خودمشت‌مالی اشاره کردیم. (نک: همین مجموعه).

«اخلاقاً هیچ کس حق ندارد درباره مطلبی که نمی‌داند داوری کند. شخص مورد نقد اخلاقاً مجاز نیست که با استناد به همین نکته، نقد ناقدی را که در آن حوزه تخصص لازم را ندارد، رد کند و حتی او را از اظهار نظر نیز باز دارد؟»<sup>۱</sup>

در نقد این سخن باید گفت: اگر کسی بدون دانش و تخصص به نقد و داوری بپردازد، براساس سخن مؤلف از اخلاق سرپیچی کرده است، اولاً، این امر به معنای قبیح بودن نقد غیرمتخصصانه است؛ ثانیاً، اگر چنین نقدی موجب خسارتی شد، آیا ناقد غیرمتخصص ضامن است؟ آیا نهادی حقوقی می‌تواند از ناقد غیرمتخصص مسئولیت حقوقی یا کیفری (برحسب خسارت یا جرم ناشی از نقد غیرمتخصصانه) بطلبد؟

ثالثاً، اگر ناقدی فاقد دانش و تخصص نقدی کرد و شخص مورد نقد آن را ساده‌لوحانه پذیرفت و این پذیرش موجب خسارت شد آیا ساده لوحی و اعتماد به غیرمتخصص برای شخص مورد نقد مسئولیت اخلاقی نمی‌آورد؟ واقعیت آن است که به جای نقد متخصصانه بودن نقد، باید از مواجهه شایسته با نقد غیرمتخصصانه سخن گفت: توجه به متخصص بودن ناقد اهمیت فراوان در مواجهه با نقد دارد. طرد هرگونه نقد ناقد غیرمتخصص امر شایسته‌ای نیست اما در مقابل آن پذیرش نقد، صرف‌نظر متخصص بودن یا نبودن ناقد قرار ندارد. بلکه شرط حزم و احتیاط آن است که هر نقدی را محترم شماریم و با اصول خاصی به سنجش نقد بپردازیم. ابهام منع خلو نیز در این بیان رهنمی کرده است. امروزه در پروژه‌های کلان ملی یا فراملی به نقد متخصصان نیازمندیم. اگر نقد را امر حرفه‌ای بدانیم شایسته حرفه‌ای‌ها است. فصل هفتم براساس مدل Johari window به کارکرد نقد در فزون‌تر کردن منطقه گشوده وجودی فرد و کاسته شدن منطقه کور آدمی است. حاصل سخن در این فصل، تأکید بر نقش نقد بر خوشناسی فرد است.<sup>۲</sup>

## ۶. نقدپذیری

فصل هشتم به تعریف و مبانی نقدپذیری اختصاص دارد. «نقدپذیری تحمل هرگونه نقدی از جانب هرکسی» است، مؤلف تأکید می‌کند که قبول نقد در تعریف نقدپذیری اخذ نشده است. وی

۱. اسلامی سیدحسن، اخلاق نقد، ص ۹۲.

این بحث با مساله نقد سخنگو به جای سخن ارتباط وثیق دارد. مؤلف دانشمند در این باب مقاله‌ای دارد: اسلامی سید حسن، جایگاه گفتار و گوینده در دیدگاه/حدیث، مجله حدیث پژوهی، ش ۱، ۱۳۸۸.

۲. اسلامی سید حسن، اخلاق نقد، صص ۱۰۵-۱۱۲.

نقدپذیری را بر دو مینا قرار می‌دهد: کامل نبودن انسان و حق انسان‌ها برای نظر دادن درباره دیگران. نقدپذیری در گرو زدودن خودشیفتگی و افزایش مهارت خوب شنیدن است. آنگاه نویسنده ده توصیه را به عنوان اصول خوب شنیدن طرح می‌کند. آنچه در این مقام ناگفته مانده است اولاً الگوی رفتاری است که وجود آن سبب نقدپذیری است و آن الگوی قاطعیت است. تحقیقات نشان داده است که از چهار الگوی رفتار ارتباطی عمده یعنی سلطه‌گری، سلطه‌پذیری، پرخاشگری و قاطعیت تنها الگوی چهارم است که نقدپذیری را تسهیل می‌کند. ثانیاً اصول و ضوابط منطقی سنجش نقد است.

مهارت‌های نقدپذیری پیچیده‌تر از آنند که به چند توصیه عام بسنده کنیم. زیرا نقدپذیری حاصل دانایی<sup>۱</sup> (فراتر از دانش)،<sup>۲</sup> مهارت،<sup>۳</sup> توانایی و نگرش است. عنصر مهارت در این میان ترکیبی از مهارت‌های روان شناختی مربوط به سبک‌های رفتاری و مهارت‌های منطقی سنجش نقد و نیز مهارت‌های اخلاقی مواجهه با منتقدان است. مهارت تمایز داده<sup>۴</sup> از اطلاعات<sup>۵</sup> و توان تبدیل داده به اطلاعات، مهارت تمایز تبیین و توجیه نمونه‌هایی از مهارت‌ها و توانایی‌های نقدپذیری است. احتمالاً مؤلف محترم به دلیل اختصار و اجمال به بررسی این موارد نمی‌پردازد.

## ۷. مسئولیت‌های اخلاقی ناقد

فصل پایانی نوشتار با عنوان اخلاق نقد به تکلیف ناقد نگاهی می‌افکند. «طی فصول گذشته» از منظر شخص مورد نقد مسایل گوناگونی را مطرح ساختیم.<sup>۶</sup> نویسنده قبل از پرداختن به اصول ده‌گانه اخلاقی ناقد در حدود شش صفحه به مباحث مقدماتی و در موارد فراوانی تکراری که در فصول قبل آمده است اختصاص می‌دهد. ده اصل اخلاقی عبارتند از:

- |                    |                          |
|--------------------|--------------------------|
| ۱. پرهیز از نقد    | ۲. خود را مقدم داشتن     |
| ۳. مهارت انگیزه‌ها | ۴. استفاده از زبان مناسب |

1. wisdom.
2. knowledge.
3. skill.
4. data.
5. information.

۵. انتخاب زمان و مکان مناسب  
 ۶. تفکیک رفتار از فرد  
 ۷. پرهیز از کلی‌گویی  
 ۸. تعیین معیارها  
 ۹. هدف‌گذاری  
 ۱۰. همدلی

براساس توضیحات نویسنده دو اصل اول در واقع مبین یک امر است. نقصان عمده در مباحث این اثر عدم توجه به انحاء رفتار ارتباطی در مسئله نقد و عدم آرایه ملاک عینی اخلاق‌ورزی در انحاء رفتار ارتباطی است. نقد یک رفتار ارتباطی بین ناقد و فرد مورد نقد است. در این رفتار ارتباطی ناقد می‌تواند همان فرد مورد نقد باشد. چنین نقدی در واقع رفتار ارتباطی درون شخصی است که نویسنده به عنوان اصل دوم به آن ترغیب می‌کند بدون بیان اینکه خود انتقادی نیز می‌تواند اخلاقی و غیراخلاقی باشد. مهم این است که با آرایه ملاک عینی بتوان دو گونه نقد را متمایز کرد. اگر ملاک عینی رفتار اخلاقی، به عنوان مثال، رعایت حقوق<sup>۱</sup> باشد، نقد خویش توأم با حفظ حقوق خود امر اخلاقی است اما نقد خویش اگر با تضییع حقوق خود همراه باشد مثلاً توأم با ذلت نفس و توهین به خویش باشد، در این صورت خودانتقادی به شیوه غیراخلاقی است.

در جامعه غالباً نقد در رفتار ارتباطی بین شخصی است. الف، ب را در خصوص امری نقد می‌کند. هر دو طرف وظایف اخلاقی دارند. براساس ملاک یاد شده رعایت حقوق طرفین یک الزام اخلاقی است، اما نقد اگرچه رفتار ارتباطی بین ناقد و شخص مورد نقد است اما حقوق افراد فراوانی از جمله جامعه می‌تواند در مقام نقد به مخاطره بیافتد. در این صورت حفظ حقوق همه صاحبان حق واجب است. و این ممکن است ناقد را به تعارضات اخلاقی<sup>۲</sup> سوق دهد. انتخاب بد از میان بد و بدتر یا دست شستن از نقد راه‌های رایج اند، اما این راه‌ها را در ترازوی اثربخشی و اخلاق باید سنجید. از اثری با موضوع «اخلاق نقد» انتظار می‌رود راهنمای عملیاتی در مواجهه با تعارضات اخلاقی در نقد آرایه دهد اگر نویسنده آن تأکید می‌کند که «راقم این سطور به جای کلی‌گویی درباره نقد کوشیده است مسائل این حوزه را بشکافد و هر یک را مورد بررسی قرار داده و ابهامات موجود را برطرف سازد»<sup>۳</sup>. نگاه سازمانی به نقد نیز در این اثر غایب است. امروزه سازمان‌ها بیش از افراد در معرض نقد و نیز محتاج نقدند. نقدپذیری سازمانی، به عنوان مثال ابعاد پیچیده‌تری نسبت به نقدپذیری فرد دارد.

۱. مراد از حقوق در این جا Right است نه Law.

2. ethical dilemma.

۳. اسلامی سید حسن، اخلاق نقد، ص ۱۲.

### کتابنامه

۱. اسلامی سیدحسین، اخلاق نقد، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳.
  ۲. همو، اخلاق مخالفت، فصلنامه هفت آسمان، ش ۴۷، ۱۳۸۹.
  ۳. همو، «اخلاق مناظره» در اخلاق کاربردی در ایران و اسلام به اهتمام احد فرامرزی قراملکی، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹.
  ۴. همو، جایگاه گفتار و گوینده در دیدگاه احادیث، مجله حدیث پژوهی، ش ۱، ۱۳۸۸.
  ۵. حایری یزدی مهدی، کاوش‌های عقل نظری، تهران، دانشگاه تهران.
  ۶. فرامرزی قراملکی احد، پرده پندار، تهران، آفتاب توسعه، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
  ۷. همو، درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای، تهران، سرآمد، ۱۳۸۷.
  ۸. همو، سازمانهای اخلاقی در کسب و کار، تهران، مجنون، چاپ سوم، ۱۳۸۷، صص ۱۵۰-۱۵۱.
  ۹. همو، نقد در ترازوی اخلاق، کتاب ماه دین، شماره ۱۴۱، تیر ۱۳۸۸.
  ۱۰. همو، «نقد در ترازوی اخلاق» در عیار نقد به کوشش علی اوجیبی، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۸.
  ۱۱. همو، نقد زبان دین، تألیف امیرعباس علیزمانی، قبسات، ش ۲.
  ۱۲. همو، نقد مبانی منطق، تألیف محمدعلی اژه‌ای، اصفهان، دانشگاه انقلاب، ش ۱۰۰، چاپ اول، ۱۳۷۲.
  ۱۳. قربانی نیما، سبک‌های ارتباطی، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۴.
  ۱۴. مولوی جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران، میلاد، ۱۳۷۵.
15. Methieu Rosay jean, Dictionnaire etymologique Les nouvelles edition arabout. Belgique, 1985.